

تاریخ دریافت : ۹۵/۰۸/۰۳

تاریخ پذیرش : ۹۶/۰۵/۰۳

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :

Re-Commentary of Sa'adat Abad Garden of Qazvin

A Comparative analysis of Abdi Beig Shirazi's poems and historical documents

در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

بازخوانی باغ سعادت آباد قزوین بر اساس اشعار عبدی بیگ شیرازی و انطباق با اسناد تاریخی دیگر

سمانه یاراحمدی*

مجتبی انصاری**

محمدجواد مهدوی نژاد***

چکیده

باغ سعادت آباد قزوین در دوره شاه طهماسب صفوی و در جریان انتقال پایتخت به قزوین ساخته شد. با توجه به مستندات موجود، علت این انتقال در سال ۹۶۲ ق. مخاطراتی بود که از سوی حکومت‌های عثمانی و روسیه متوجه تبریز بود. به دستور شاه طهماسب صفوی باغ‌ها و فضاهای لازم برای بخش‌های سکونتگاهی، دیوانی و سایر عرصه‌ها ساخته شد. وی عده‌ای از بزرگان کشوری و خویشاوندان نزدیک خود را تشویق کرد که باغ‌هایی در کنار باغ‌های سکونتگاهی حکومتی بسازند. در اطراف باغ سعادت آباد حدود بیست و سه باغ و گلزار وجود داشت. شاه طهماسب از شاعری به نام خواجه زین العابدین علی نویدی معروف به عبدی بیگ شیرازی متولد ۹۲۱ ق. در تبریز (متوفی ۹۸۸ ق. در اردبیل) که در دیوانخانه همایونی حضور داشته، خواست که مجموعه باغ‌های قزوین را به زبان منظوم وصف کند. «جنات عدن» عبدی بیگ شامل مثنوی-های «روضه الصفات»، «دوحه الازهار»، «جنه الاثمار»، «زینت الاوراق» و «صحیفه الاخلاص» حاصل این تلاش است که حاوی اطلاعات ارزشمندی درباره کلیات و جزئیات این باغ و عمارت‌های آن است. اشعار عبدی بیگ از مهم‌ترین اسناد در مورد این باغ بوده و از توصیفات آن روشن می‌شود که باغ سعادت آباد در زمان خود باغی کم‌نظیر بوده است. از مهم‌ترین فضاها و ویژگی‌هایی که در این اشعار به توصیف آنها پرداخته شده می‌توان به خیابان، سردر، ارشی خانه، خانه شروانی، ایوان‌ها، صفه سرچنار، حوضخانه، هندسه باغ و انواع درختان و گیاهان اشاره کرد. اطلاعات موجود و فضاهای اشاره شده در این منظومه‌ها بیش از چیزی است که امروزه بر جای مانده است و براساس این اطلاعات، می‌توان تصویری کلی از نقشه عمومی باغ و ویژگی‌های فضایی آن به دست آورد.

هدف این پژوهش بازخوانی طرح این مجموعه باغ حکومتی براساس اشعار عبدی بیگ شیرازی و مطابقت آن با دیگر متون و اسناد تاریخی است. روش به کار رفته در این پژوهش، روش تفسیری-تاریخی است که پس از استنتاج و تحلیل متون، تصاویر و نقشه‌های موجود به هدف خواهد رسید. ساختار کلی باغ و عناصر اصلی آن شامل سردر عالی‌قاپو، ارشی خانه (چهلستون)، خانه شروانی، دیوانخانه (ایوان شاهی) از مهم‌ترین عناصر مورد بررسی در این پژوهش هستند. این منبع تاریخی می‌تواند علاوه بر روشن کردن جنبه‌های کالبدی مختلف معماری، منظر و باغ‌سازی، جنبه‌های ذهنی-معنایی و اصول زیبایی‌شناسی آن زمان را نیز آشکار کند. این نوشتار سعی دارد تا ساختار فضایی کلی، توصیفات و جزئیات این باغ‌ها را از میان اشعار استخراج و در قالب نقشه و کروکی به تصویر بکشد تا مبنایی برای مطالعات بعدی و برنامه‌های توسعه آتی پدید آید.

واژگان کلیدی

باغ سعادت آباد قزوین، باغ ایرانی، باغ صفوی، منظومه جنات عدن، عبدی بیگ شیرازی.

.....
* پژوهشگر دکتری معماری، دانشگاه تربیت مدرس samaneh.yarahmadi@gmail.com

** دکتری معماری، دانشیار گروه معماری، دانشگاه تربیت مدرس نویسنده مسئول: ansari_m@modares.ac.ir

*** دکتری معماری، دانشیار گروه معماری، دانشگاه تربیت مدرس. mhdavinejad@modares.ac.ir

مقدمه

پس از آنکه تبریز پایتخت نخست صفویان توسط عثمانیان مورد حمله قرار گرفت، شاه طهماسب برای اینکه پایتخت را از تهدید دشمنان به دور دارد در سال ۹۶۲ق. آن را به قزوین منتقل کرد زیرا که قزوین از لحاظ سیاسی و جغرافیایی وضعیت مناسب‌تری داشت (گلریز، ۱۳۳۷)؛ (ورجوند، ۱۳۷۷)؛ (اشراقی، ۱۳۹۰) وی پس از تصمیم به انتقال پایتخت در سال ۹۵۱ق. جهت استقرار در قزوین دستور ساخت باغ بزرگ سلطنتی به نام سعادت‌آباد را داد و خویشاوندان، اعیان و ارکان صفوی در زمین‌های باغ کاخ‌های بسیاری ساختند و درختان متنوع و گلها و گیاهان گوناگون کاشتند. این مجموعه حکومتی هسته جدیدی در شهر ایجاد کرده و باعث توسعه شهر از هسته تاریخی آن که در اطراف مسجد جامع شکل گرفته بود به سمت بالا شد.

در میانه‌های قرن که عبدی بیگ شیرازی^۱ شهرتی به دست آورده بود و صاحب بیش از پانزده اثر بارزش بود، شاه طهماسب او را مأمور کرد اثری در وصف باغ سعادت‌آباد و کاخ‌های آن بسراید. عبدی بیگ در روضه‌الصفات از باغ سعادت‌آباد و عماراتی چون ارشی‌خانه که مخصوص شاه بود و بناهایی چون خانه شروانی و دیگر باغ‌های آن می‌گوید و در خصوص محل و مشخصات آنها اطلاعاتی می‌دهد. اما قسمت عمده‌ای از این اثر به تصویر باغ سعادت‌آباد اختصاص دارد. منظومه دوحه‌الازهار با حمد خدا و نعت رسول (ص) و مدح شاه طهماسب آغاز می‌شود. سپس باغ سعادت‌آباد، نقشه عمومی معماری باغ سلطنتی جعفرآباد، خیابان‌ها و ایوان‌های جانب شمالی و جنوبی باغ، بناها و کاخ‌های واقع در سمت مشرق خانه شروانی و دیگر بناها وصف می‌شود. بخش دیگر این کتاب به شرح نقاشی‌های دیواری بناهای مختلف اختصاص دارد. امروزه با تغییراتی که از دوران صفویه و قاجاریه به بعد در این مجموعه صورت گرفته بسیاری از بناهایی که در اشعار به آنها اشاره شده از بین رفته‌اند و یا متحول شده‌اند. در منظومه جنبه‌الاثمار نیز توصیفات خیابان جعفرآباد، دولتخانه همایونی، نقاشی‌های دیواری، ایوان اسب و فصل تابستان و میوه‌های این فصل آورده شده است. در زینت‌الوراق نیز به وصف قزوین و مقایسه آن با دیگر شهرها، فصل پاییز و صفه سرچنار پرداخته می‌شود و در صحیفه‌الاخلاص نیز بیشتر نقاشی‌های دیواری به نظم درآمده‌اند.

شناسایی این مجموعه باغ به واسطه ارزش‌های طبیعی و فرهنگی نهفته در آنها که در برگرفته تفکر، هنر و دانش تجربی پیشینیان از محیط پیرامون است ضروری است. باغ ایرانی به عنوان نمونه متعالی از منظر ایران، تصویر باورهای انسان ایرانی- اسلامی در بطن تاریخ است که علی رغم ناملايمات، همچنان به عنوان الگویی موفق از آن یاد می‌شود.

باغ از روزگار دیرین در فرهنگ و تمدن ایرانی اهمیت و جایگاه مهمی داشته و یکی از مفاهیم بنیادین مباحث اجتماعی، فرهنگی و طبیعی این سرزمین به شمار می‌رفته است که امروزه نیز به صورت‌های مختلف در ادبیات، معماری و شهرسازی ایرانیان حضور دارد (بانی مسعود، ۱۳۹۰: ۲۱).

سؤالات پژوهش

- آیا می‌توان با مطالعه مجموعه «جنات عدن» عبدی بیگ شیرازی که به دستور شاه طهماسب صفوی به توصیف فضاها و عمارات باغ سعادت‌آباد پرداخته نقشه کلی و ساختار باغ را در آن زمان بازخوانی کرد؟

- فضاهای اصلی باغ مانند ارشی‌خانه، خانه شروانی و دیوانخانه که در این اشعار به آنها اشاره شده چه نسبتی با کل مجموعه دارند و ویژگی‌های اصلی آنها چیست؟

- چگونه می‌توان با انطباق توصیفات عبدی بیگ با دیگر متون و مستندات تاریخی موجود، بیانات وی را راستی‌آزمایی کرد؟

فرضیه پژوهش

از آنجایی که عبدی بیگ شیرازی به دستور شاه طهماسب صفوی مأمور توصیف فضاها و عمارات باغ سعادت‌آباد به نظم بوده است، این اشعار مکتوب منبع مناسبی جهت بازخوانی نقشه تاریخی باغ، عمارات و ویژگی‌های فضایی معماری و منظر آن است و با تکیه بر آنها ویژگی‌های تاریخی این باغ ایرانی صفوی و عمارت‌های اصلی آن از جمله ارشی‌خانه، خانه شروانی و دیوانخانه آشکار می‌شود. در عین حال انطباق و استفاده از سایر متون (سفرنامه‌های سیاحان غربی) که در دوره‌های بعدتر نگارش شده است نیز به بازخوانی باغ و ترسیم جنبه‌های مختلف کالبدی و عملکردی آن کمک می‌کند.

از آنجایی که این منبع تاریخی علیرغم خیال‌پردازی‌های شاعرانه و سفارشی بودن اثر، به‌نوعی امکان تحلیل و مقایسه فضاها را مهیا می‌کند دارای اهمیت بوده و به فهم هر چه بیشتر حیات اجتماعی و فرهنگی ایران در قرن دهم قمری/ شانزدهم میلادی که با دوران رنسانس اروپا تقارن دارد کمک فراوانی می‌کند.

روش تحقیق

به منظور بازخوانی باغ سعادت دوره صفوی قزوین روش تحقیق به صورت تفسیری-تاریخی است که پس از استنتاج و تحلیل از متون و اسناد تاریخی به ترسیم طرح باغ در این دوره پرداخته می‌شود. منابع و مآخذ استفاده شده شامل متون توصیفی دوره مذکور (نثر و نظم)، سفرنامه سیاحان

مختلف پرداخته‌اند که در میان این آثار، پژوهش‌های خانم دکتر مهوش عالمی در رابطه با باغ ایرانی قابل تامل است. دسته سوم نیز پژوهش‌هایی هستند که به بازآفرینی و ترسیم نقشه باغ سعادت پرداخته‌اند که در این میان به سه مورد می‌توان اشاره کرد: در کتاب «باغ ایرانی بازتابی از بهشت»^۴، طرحی از اقامتگاه‌های سلطنتی قزوین در عهد صفوی ارائه شده است که در بعضی موارد منطبق با متون تاریخی نیست. همچنین استاد تاریخ دکتر احسان اشراقی نیز در مقاله‌ای که به توصیف دولتخانه و کاخ‌ها و باغ‌های صفوی در منظومه‌های عبدی بیگ (۱۳۸۷) پرداخته نقشه‌ای ارائه داده که با واقعیات موجود منطبق نیست. در آخر نیز نقشه‌ای است که آقای مهندس احسان دیزانی در مقاله^۵ «بازآفرینی شهر شاهی صفوی» ارائه داده اند که به اصلاح نقشه کتاب باغ ایرانی بازتابی از بهشت پرداخته و سعی در انطباق آن با دیگر اسناد تاریخی داشته است که هنوز هم نیازمند اصلاحات است (تصویر ۱).

موقعیت طبیعی و سیاسی قزوین

قزوین به مناسبت موقعیت جغرافیایی مساعد خود، از ازمینه کهن به یکی از کانون‌های تمدنی در فلات ایران بدل شد. به واسطه موقعیت سوق‌الجیشی شهر قزوین و قرار گرفتن بر سر راه‌های شرق و غرب، این شهر در دوران پیش از

و گزارش‌های مربوطه، اسناد تصویری و نظریات کارشناسان معاصر بوده است. که با روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای به دست آمده‌اند. برای رسیدن به نقشه باغ از سه نقشه موجود استفاده شده و با بررسی اسناد دیگر به نقد و اصلاح آنها پرداخته می‌شود. در این پژوهش تاریخی اشعار عبدی بیگ منبع دست اول پژوهش بوده و سایر متون که غیر مستقیم به توصیفات باغ پرداخته‌اند منابع دست دوم هستند همچنین در نقد بیرونی اصالت مجموعه اشعار موجود عبدی بیگ مورد قبول واقع شده و برای سنجش نقد درونی این سند تاریخی سعی شده تا مطالب آن با دیگر اسناد تاریخی تطبیق داده شود.

پیشینه تحقیق

از آنجایی که پایتخت شدن قزوین در دوران صفویه نقطه عطفی در تاریخ شکل‌گیری این شهر بوده اکثر نویسندگان در دوره‌های مختلف تاریخی و همچنین معاصر اشاراتی به این دوره داشته‌اند. منابع موجود به سه دسته قابل تقسیم‌بندی هستند: اولی منابعی هستند که اطلاعات کلی در خصوص وضعیت اجتماعی، تاریخی و معماری قزوین در این دوران به طور مستقیم یا غیر مستقیم به دست می‌دهند. از این میان می‌توان به کتاب «مینودر یا باب‌الجنه قزوین»^۶ و یا «سیر تاریخی بنای شهر قزوین و بناهای آن»^۷ اشاره کرد. دسته دوم منابعی هستند که بررسی اشعار عبدی بیگ از جنبه‌های

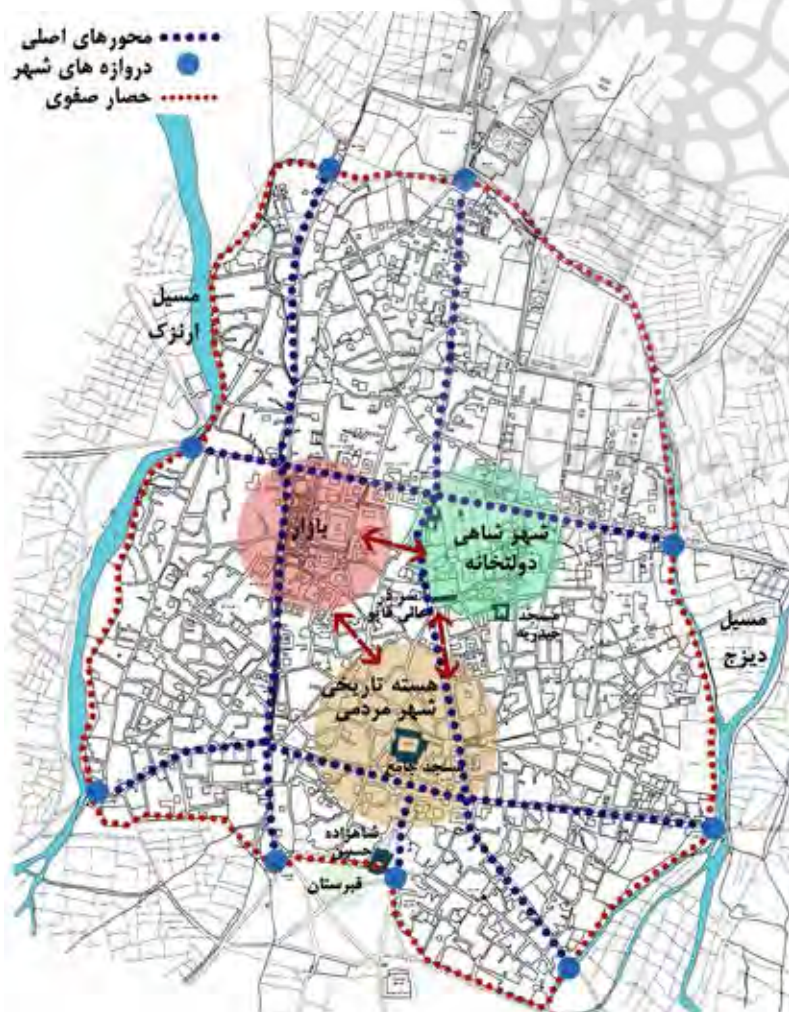


تصویر ۱. نقشه‌های موجود باغ سعادت آباد و دولتخانه صفوی. مأخذ: به ترتیب از راست به چپ: خوانساری، ۱۳۸۳: ۷۶؛ اشراقی، ۱۳۸۷: ۵۶؛ دیزانی، ۱۳۹۲: ۶۸.

قنات جدید و استفاده از آب رودخانه‌های موسمی و تأسیس شبکه آب‌انبارها در مراکز شهری و در کنار آن حفر چاه‌های خانگی و نگهداری و مرمت قنات قدیمی بوده است. از جمله قنات‌هایی که در ارتباط با دولتخانه از آن نام برده شده قنات میرزایی است که ذکر آن در اسناد شاهزاده حسین مربوط به وقف بودن حمام شاهی که شاه طهماسب آن را ساخته و بر قنات میرزایی دایر بوده، آمده است. نزدیک‌ترین قنات به باغ سعادت آباد نیز در شمال مجموعه دولتخانه (سبزه- میدان کنونی و نزدیک چهلستون) بوده است و آب توسط حوضچه‌ها، کانال‌ها و جوی‌ها به بخش‌های مختلف و با استفاده از شیب زمین انتقال می‌داده‌اند (حسین زاده، ۱۳۹۰) با این وجود کم آبی از مسایل جدی شهر قزوین در آن دوره بوده است، چنان که کندن چندین قنات و ساختن آب‌انبارها در این باره در دوره‌های بعد چاره‌ساز نبوده است. از آنجا که شاه عباس در پی رسیدن به خواسته‌هایی بزرگ و رقابت با دولت عثمانی و کشورهای اروپایی بود؛ در قزوین، این موقعیت

اسلام و چه در دوران اسلامی از اهمیت نظامی و سیاسی برخوردار بوده است. پس منازعات ایران و عثمانی در زمان صفویان، شاه طهماسب اول صلاح کار در این دید که قزوین را به عنوان پایتخت برگزیند (اشراقی، ۱۳۹۰: ۳). در نتیجه ساختار شهر متحول شده و براساس مثلث شهر سلطنتی، شهر مردمی و بازار شکل می‌گیرد. شهر سلطنتی از طریق خیابان به شهر مردمی (شهر سلجوقی) و از غرب از طریق دروازه‌ها و راهروهای زیر زمینی و گذرها به بازار و از جانب شرق به امتداد یکی از شعبه‌های فرعی مسیل ارنزک متصل است (تصویر ۲).

در دو طرف شرق و غرب شهر قزوین، دو مسیل دیزج و ارنزک جریان داشته و بخشی از آب‌های شرقی که از کوه باراجین در شمال می‌آمد آب مصرفی آسیاب‌های شمالی را تأمین کرده و در بخش غربی نیز نهری از کنار بازار جریان داشته است (اشراقی، ۱۳۹۰). از جمله اقدامات صفوی که به توسعه شهر در محورهای جدید نیز کمک کرده است، حفر



تصویر ۲. ساختار شهر قزوین در دوران صفویه: براساس نقشه پایه سال ۱۳۰۶ شهر. مأخذ: نگارندگان.

۱۳۷۸: ۲۰۳.

با حضور شاه طهماسب اول در پاییز سال ۹۶۲ ق. قزوین پایتخت رسمی صفوی می‌شود، ولی ساخت دولتخانه جدید هنوز به پایان نرسیده است. به نقل از قاضی احمد قمی در پاییز سال مذکور، پادشاه صفوی با تشریفات بسیار وارد قزوین گردید و چون عمارتخانه جدید پایان نیافته بود به دولتخانه کهنه که سابقاً یکی از منازل قاضی جهان قمی بود وارد شد و از آنجا به امر کشورداری پرداخت (اشراقی، ۱۳۹۰: ۴).

قمی در ذکر وقایع سال سی و پنجم سلطنت شاه طهماسب اول آورده است: «هم در این سال (۹۶۵ ق.) عمارات عالیه رفیعه باغ سعادت آباد از منازل درون و بیرون و خیابان و عمارات دولتخانه مبارکه به اتمام رسید» (قمی، ۱۳۶۳: ۳۹۸). «حسن بیگ روملو» نیز در «احسن التواریخ» نوشته است: «هم در این سال (۹۶۵ هجری قمری) شاه دین پناه از دولتخانه کهنه به دولتخانه نو انتقال نمود» (روملو، ۱۳۵۷: ۵۱۹).

مرحوم «قاضی عطاءالله رازی» برادر «قاضی محمد» در یک مصرع دو تاریخ پیدا کرده و در سلک نظم در آورده: پی سال اتمام او فکر کردم / از یک مصرع آمد دو تاریخ حاصل شه از سال تاریخ پرسید، گفتم: / بهشت برین است و خیرالمنازل

«بهشت برین» و «خیرالمنازل» به حروف ابجد ۹۶۵ هستند که سال اتمام ساخت باغ است (دبیرسیاقی، ۱۳۸۱: ۱۵۷). بنابراین ایجاد باغ سعادت آباد و دولتخانه جدید سه سال بعد از حضور دائمی شاه و پایتختی قزوین به پایان می‌رسد. با این احتساب طراحی و ساخت شهرشاهی از سال ۹۵۱ ق. آغاز شده و تا سال ۹۶۵ ق. به طول می‌انجامد.

وجه تسمیه باغ سعادت آباد و جعفر آباد

وجه تسمیه «سعادت» قدیمی‌تر از پایتختی قزوین است، چرا که خان سعادت (سرای شاه) و میدان مجاور آن که به نام میدان نو در متون ذکر شده همان میدان سعادت است، قبل از اینکه شهر به تختگاهی صفوی برگزیده شود ساخته شده و به این نام مشهور بوده‌اند. سند وقف‌نامه‌ای نیز جهت اثبات این موضوع وجود دارد (انوری، ۱۳۹۰: ۷۵).

برای وی فراهم نمی‌شد و این شهر توان رشد و توسعه بیش از آن را نداشت (پورمحمدی املشی و فراهانی فرد، ۱۳۹۱).

تاریخچه ساخت باغ سعادت آباد و دولتخانه صفوی

در سال ۹۵۱ ق. شاه طهماسب تصمیم به انتقال پایتخت به قزوین و ساخت مجموعه سلطنتی جدید را در شهر می‌گیرد. در این زمان هنوز تبریز پایتخت رسمی صفویان است. به این منظور اراضی وسیعی را که در شمال شهر قدیمی قزوین موسوم به «زنگی آباد» قرار داشت و متعلق به یکی از مشاهیر دولت مدار موسوم به میرزا شرف جهان بود، خریداری کرد. قاضی میراحمد حسینی قمی در «خلاصه التواریخ» آورده است: «... شاه دین پناه در این سال قشلاق همایون در قزوین نمودند و هم در این سال شاه صاحب اقبال را به خاطر رسید که در قزوین باغی احداث نماید... مهندسان دانشور و بنایان صاحب هنر ممالک محروسه را بدانجا طلب نموده طرح باغ مربع فرموده به باغ سعادت آباد موسوم ساختند و در میان آن باغ عمارات عالی و تالارهای متعالی و دیوان‌ها و حوض‌ها طرح انداخت و در دروازه آن بغایت مرتفع و عالی بنا نهاده پیش طاق آن سر به سپهر افراشته و به کاشی الوان آراسته و در پایان برج کبوتری که برابری با نسر طایر نمودی ساخت و عرصه باغ را به طریق هندسه به گذرهای مربع و چمن‌های مثلث و مسدس بخش کرده در میان خیابان آن نهی عظیم جاری گردانید و در حواشی آن اشجار چنار و سفیدار نشانید و مربع‌های اطرافش به اشجار گل و یاسمن و ارغوان و نارون و سایر درختان میوه آراست» (قمی، ۱۳۶۳: ۳۱۲ و ۳۱۳).

فرد دیگری که از تاریخ احداث باغ سعادت آباد و چند عمارت آن اطلاعاتی داده است بوداق منشی قزوینی است. وی در «جواهر الاخبار» می‌نویسد: باغ سعادت آباد را که دیوار دور آن کشیده بوده‌اند، درخت نشانند و تعمیر کردند و عمارت ساختند. اول سال تاریخ ساختن باغ آنکه «هرگاه که گل از باغ بیرون آری» و این قاعده است که باغ یک هزار و سه است، هر گاه که «گل» از آن بیرون آریم پنجاه است، از آن کسر شد نهصد و پنجاه و سه (۹۵۳) شد ابتدای ساختن باغ است و سال ساختن عمارت درگاه باغ این است (منشی قزوینی،



تصویر ۳: تاریخ‌های مهم استخراج شده از متون تاریخی در خصوص پایتخت شدن قزوین و ساخت مجموعه دولتخانه. مأخذ: نگارندگان.

در آن رونق می‌گیرد و بناهای بسیاری در آن می‌سازند. باغ سعادت‌آباد نیز از این دست ساخت‌وسازهاست (سلطانی، ۱۳۸۷: ۴۱).

خسرو والاگر دین‌پناه/ خطه قزوین چو شدش تختگاه
رونق این خطه به حسب مراد/ گشت به‌یمن قدم شه زیاد
خاست نوای فرح از خانها/ یافت عمارت همه ویرانها
ابر کرم خاست زهر سوی او / آب فزون گشت به هر جوی او
کشت وی از خاک برآوردسر/ خشتش از افلاک برآورد سر
(روضه‌الصفات: ابیات ۱۰۲-۱۰۶)

از این اشعار چنین برمی‌آید که پس از پایتختی قزوین و بر اثر حضور شاه در این خطه شهر رونق یافته و عمران و آبادانی صورت می‌گیرد. قنات‌ها و جوی‌های آب در شهر جاری می‌شوند و ساختمان‌سازی و کشاورزی در آن شهر رونق می‌گیرد. عبدی بیگ شیرازی در مثنوی زینت الاوراق ضمن توصیف شهر قزوین و مقایسه آن با شهرهایی چون شام، تبریز، اصفهان، قم، شیراز و هرات، قزوین را در این دوره برتر از این شهرها دانسته است و در این باره گفته است:

شاه تا ملتفت به قزوین شد / شهر قزوین سپهر تزیین شد
(زینت الاوراق، بیت ۸۴)
هست بر دور آن خجسته دیار/ باغ در باغ تا به پیش حصار
(زینت الاوراق، بیت ۹۳)

مجملاً این زمان بر روی زمین/ نیست شهری چو خطه قزوین
(زینت الاوراق، بیت ۱۳۵)

عبدی بیگ حتی قزوین را با اصفهان مقایسه کرده و به الگو بودن این شهر اشاره می‌کند:

مگو اصفهان راست نقش جهان/ که صد نقش از آنجاست
اینجا نهان (صحیفه الاخلاص: بیت ۲۸۶)

اقدامات عمرانی شاه طهماسب در شهر در متون دیگر نیز اشاره شده است:

اسکندربیک ترکمان در "عالم آرای عباسی" در رابطه با آثار شاه طهماسب اول می‌نویسد: "... از آثارش ... عمارات دولتخانه مبارکھی دارالسلطنه قزوین و حمامات معدود و چهار بازار و باغ ارم تمامی موسوم به سعادت‌آباد که به لطافت و خوبی شهره جهان و نمونه‌ای از باغ جنان است ..."
(ترکمان، ۱۳۴۴: ۱۲۴).

"محمد یوسف واله اصفهانی" نیز در "خلدبرین" درباره آثار شاه طهماسب اول آورده است: "... و دولتخانه مبارکھی و حمامات عالیه متعدده در دارالسلطنه قزوین و ... از آثار معمار همت والا نعمت آن حضرت است" (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۳۹۸).

با این وجود از سال ۱۰۰۶ هجری قمری که شاه عباس اول پایتخت را از قزوین به اصفهان انتقال داد، قزوین از نظر موقعیت سیاسی و اعتبار دچار نوعی سقوط شد و با رفتن شاه و مقام‌های دولتی و حکومتی و وابستگان به

بعد از اتمام ساخت مجموعه باغ شاهی و دولتخانه جدید در سال ۹۶۵ق. شاه طهماسب لقب جعفرآباد و باب‌الجنه را بر این مجموعه گذاشت. به قول قاضی احمد قمی «سواد مصر عظمی به هم رسید و نواب کامیاب لقب آن خطه پاکیزه را باب‌الجنه نهاد، مسمی به جعفرآباد گردانیدند ...» (قمی، ۱۳۸۳: ۳۱۲). انتخاب جعفرآباد، به یمن نام امام جعفر صادق(ع) بود و باب‌الجنه در بعضی از کتب روایات به نقل از پیامبر گرامی اسلام در فضیلت شهر قزوین و اقامت در آن آمده است. این اسامی در اشعار عبدی بیگ نیز آمده است: بنام آن شهر عالی جعفرآباد / که شاه جعفری افکنده بنیاد بدین نام نکو معمور گشته / بدارالسلطنه مشهور گشته (دوحه‌الازهار: ابیات ۹۹-۱۰۰)

مجموعه جنات‌عدن عبدی بیگ شیرازی

عبدی بیگ شیرازی خود در مورد سرودن این اشعار در تکمله‌الاکهار آورده است: "...نواب کامیاب به دارالسلطنه قزوین بازگشته قشلامیشی فرمودند و من بعد قشلاق قزوین مقرر شد و طرح باغ دولتخانه در آنجا انداختند و به بهترین وضعی که چشم روزگار نظیر آن ندیده اتمام یافت و این ضعیف در صفت آن عمارات و باغات پنج هزار بیت کتابی مشتمل بر پنج مثنوی و موصوف به "جنات عدن" به نظم درآورده و به سمع و نظر نواب همایون رسانید (عبدی بیگ شیرازی، ۱۳۶۹: ۶۲).

همچنین در مورد فرمان شاه برای سرودن این اشعار و تاریخ اتمام آن می‌گوید:

امر توام ریخت خرد در دماغ/ تا بکنم وصف خیابان و باغ
(روضه‌الصفات: بیت ۹۴)

چو پرسند تاریخ اتمام آن/ بگو رونقی دیده جنات عدن
تاریخ اتمام جنات عدن به حروف ابجد "رونقی دیده

جنات‌عدن" برابر ۹۶۷ق. است. همچنین در جای دیگری تاریخ ختم روضه‌الصفات را در پایان کتاب آورده است:

هر که نشان جست به تاریخ آن/ داد بگلزار بهشتش نشان
(روضه‌الصفات: بیت ۶۲۴)

عبارت "بگلزار بهشت" به حساب ابجد ۹۶۷ است. چون شاعر در آن سال در شهر قزوین به سر می‌برده، می‌توان گفت که این مثنوی را در قزوین سروده است و در آن تاریخ ساختن باغ و عمارات آن تمام شده بوده چنان‌که حتی شاعر نقاشی دیواری بناها را کاملاً شرح داده است.

توسعه شهر در اشعار عبدی بیگ

عبدی بیگ در منظومه‌های خود، به خصوص در روضه‌الصفات از وضع قزوین قبل و بعد از پایتختی‌اش اطلاعاتی می‌دهد. براساس اشعار او، پس از پایتختی قزوین، عمران و آبادانی

عناصر اصلی باغ سعادت آباد محدود شده و به منظور بازیابی و ترسیم نقشه با سایر اسناد و متون تاریخی مطابقت داده می‌شوند. در این بخش، ابتدا کلیات باغ و بعد از آن عناصر اصلی بررسی می‌شوند تا نتیجه‌گیری نهایی از آنها صورت بگیرد.

چنین باغی به اقبال و سعادت/ که عمر از سیر او گردد زیارت ندیده چشم نادر بین ایام / ز سرحد ختن تا عرصه شام هوایش می‌رساند فیض جانی / زلالش می‌فزاید زندگانی (دوحه‌الازهار)

عناصر باقیمانده تا به امروز: مهم‌ترین اندام‌ها و عناصری که از دوره صفوی بر پیکر تاریخی شهر قزوین در ارتباط با پهنه مورد نظر باقی مانده‌اند شامل: مسجد جامع، مسجد حیدریه، عالی‌قاپو، کلاه‌فرنگی شاه طهماسب اول (کاخ چهلستون امروزی)، کاروانسرای شاه، قیصریه، پیغمبریه، مسجد پنجه‌علی و خیابان است.

عناصری که از بین رفته‌اند: مهم‌ترین اندام‌ها و عناصر شهرشاهی که از بین رفته‌اند شامل: خانه شروانی، میدان اسب و میدان شاهی، دیوانخانه قدیم، دیوانخانه جدید، عمارات جهان‌نما، استخر بزرگ و برج کبوتر هستند.

هندسه باغ

در توصیف باغ سعادت آباد به ساختار آن اشاره شده است. این باغ مانند سایر باغ‌های ایرانی طرحی شطرنجی شکل داشته که دو محور اصلی آن به صورت متقاطع سطح باغ را به چهار بخش تقسیم کرده بود. در حاشیه راه‌های اصلی مستقیم یا خیابان‌ها با انواع گیاهان و گل‌های تزئینی پر نقش و نگار شده بود و جوی آبی در کنار آنها جاری بود. باغ با خیابان‌های راست و تقسیمات بسیار و نقش و نگارش به تخته نردی تشبیه شده است.

عرصه این روضه عشرت مدار/ تخته نردی است به نقش و نگار

گشته دو سطح متقاطع دو چار/ چار خیابان ز دو سطح آشکار (روضه‌الصفات: ابیات ۱۹۸-۱۹۹)

نی غلطم تخته نردش مگوی/ زانکه به پیش نظر فیض جوی صفحه نظمی است بسی دلپسند/ ناظم آن طبع شه ارجمند جدول این صفحه فرخنده فال/ چار طرف جوی آب پر زلال (روضه‌الصفات: ابیات ۲۰۱-۲۰۳)

صفت خیابان‌های باغ

علاوه بر خیابان‌های اصلی باغ در حاشیه و دور تا دور باغ هم خیابان زیبایی با درختان بید و عرعر و تاک و ... در میان آنها بوده است.

به رسم حاشیه بر دور این باغ/ خیابانی است زو افلاک را داغ

آنها از شهر زنجیره این آبادانی‌ها متوقف شد و متحدثات نیز کمکم خالی از سکنه شد. با این حال در ادامه دوران صفوی شهر قزوین همچنان مورد توجه صفویان بود و بعضاً به عنوان محل موقت اقامت شاهان صفوی مورد استفاده قرار می‌گرفت (ورجاوند، ۱۳۷۷).

در ساختار باغ سعادت آباد و مجموعه سلطنتی نیز تغییرات زیادی ایجاد شد. حتی در دوره صفوی نیز در این بناها تخریب‌هایی صورت می‌گیرد و قاضی احمد قمی نقل می‌کند که شاه اسماعیل دوم بیشتر کاخ‌های سلطنتی را تخریب می‌کند (انوری، ۱۳۹۰: ۷۶). قمی در کتاب خود نقل می‌کند: "و هم در این روز (شاه اسماعیل) به دولتخانه مبارکه آمده ... تغییر و تبدیلات بسیار فرمودند و در روزی از روزها که شاه عالم آرا اکثر منازل شاه جمجاه را فرود آورده، تل خاکی شده بود، به نواب سلطان ابراهیم میرزا خطاب فرمودند که اگر سلاطین روم و هند و ازبک برین می‌شدند، این کار نمی‌توانستند." (قمی، ۱۳۶۳: ۶۲۳).

شاه عباس اول نیز عمارات دیگری بر مجموعه کاخ‌ها افزود که یکی از آنها عمارت خلوت نام داشت. به دستور شاه صفی نیز در سال ۱۰۴۳ ق. خیابانی در شمال باغ و دربی در انتهای آن ایجاد نمودند که میرزا ابوطالب خان وزیر، اشعار زیر را بدین مناسبت سروده است:

در این سال اگر چه به اقبال شاه بسی فتح و نصرت در آمد ز در

پی سال تاریخ این فتح باب/ که پیوسته بادا مصون از خطر

چو کردم تفکر بمن پیر عقل/ بگفتا بجنّت گشودند در که عبارت «عبارت بجنّت گشودند» به حروف ابجد معادل ۱۰۴۳ است. (حسین‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۷۴).

رکود شهر پس از انتقال پایتختی دولت صفوی از قزوین به اصفهان، باعث از بین رفتن بخشی از مجموعه‌های سلطنتی در شرق بازار می‌شود و در دوره قاجار نیز که موقعیت مناسب شهر در مسیر تجارت با اروپا باعث افزوده شدن حجم مبادلات تجاری در این شهر می‌شود، بازار نیاز به گسترش پیدا می‌کند و در محل باغ‌های صفوی مجموعه تجاری سعدالسلطنه ساخته می‌شود.

بازخوانی باغ سعادت آباد

محدوده باغ سعادت آباد و مجموعه دولتخانه مجموعه وسیعی بوده که از شمال و شرق به محله‌های مسکونی، از جنوب به محله‌های قبل از صفوی و مسجد جامع عتیق و از غرب به بازار محدود می‌شود. در این پژوهش بررسی‌ها فقط به

(دوحه الازهار: ابیات ۱-۲)
 ساخته باغ و خانه شاه درو / مهر و مه را بود پناه درو
 نهرها کرده شه درو جاری / کاب ازو جسته ابر آذاری
 از خزان سرو باغش آزادست / نام باغش سعادت آبادست
 باغی این سان که خلد تمثالست / آب او از قنات اقبال است
 (زینت الاوراق: ابیات ۱۴۰-۱۴۳)

عمارات باغ

دیوانخانه قدیم

از آنجایی که هنگام انتقال پایتخت به قزوین بنای دیوانخانه جدید آماده نبوده شاه طهماسب به دیوانخانه کهنه که در روایاتی خانه یکی از دولتمردان است می‌رود که این مکان با توجه به اشعار عبدی بیگ در محل شهر قدیمی قابل بازیابی است (دبیرسیاقتی، ۱۳۸۱).

از طرفی درگاه دولت سرا/ وز طرفی باغ سعادت فزا
 گشته در درگاه ز دو سو روبه روی / غلغله انداخته در
 چهارسوی (روضه‌الصفات: ابیات ۱۸۹-۱۹۰)

با توصیف عبدی بیگ اگر درگاه دولت سرا را دیوانخانه قدیم دانسته که در مقابل باغ سعادت فزا یا سردر عالی قاپو در انتهای دیگر خیابان است، دیوانخانه قدیم به طور تقریبی در انتهای دیگر خیابان و نزدیک مسجد جامع موقعیت یابی می‌شود (دیزانی، ۱۳۹۲).

خیابان و عمارت سردر (عالی قاپو)

در ابتدای کتاب روضه‌الصفات به کاخی که گویا دارای قبه است و با شمسه و مقرنس کاری مزین شده اشاره شده است و سپس خیابانی مورد توجه قرار گرفته که خارج این خانه بوده و به صورت مستقیم ساخته شده و در دو سوی آن درختانی کاشته شده بود. در دوطرف این خیابان دو درگاه ورودی قرار داشت، که یکی درگاه دولت سرا و دیگری باغ سعادت بود (سلطان زاده، ۱۳۸۳: ۱۸۳).

قبه قصرش زده سر با سپهر / شرفه بامش شرف ماه و مهر
 (روضه‌الصفات: ۱۴۶)

شمسه او شمس صفت تابناک / در دل شب ذره برآرد ز خاک
 ابروی طاقش زمقرنس بچین / حادثه را کرده گریزان بچین
 (روضه‌الصفات: ۱۵۰-۱۵۱)

خارج این خانه جنت مثال / کاخترش از هر نه بیند وبال
 کرده خیابان مسرت فزای / کرد ملال از دل مردم زدای
 (روضه‌الصفات: ۱۶۲-۱۶۳)

جویش ز دو سوی در روارو / بر رسته ز جوی سبزه نو
 بر جوز دو سوی بید عرعرا / افراخته تا بکهکشان سر (جنه‌الاثمار:
 ۱۵۹-۱۶۰)

یکسوی در سعادت آباد / کز باغ بهشت می‌دهد یاد
 یکسوی در سرای شاهی / منزلگه رحمت الهی (جنه‌الاثمار:



تصویر ۴. مینیاتور (ترسیم ۱۵۳۹-۱۵۴۳) منتسب به نقاش آقامیرک از هنرمندان مهم دربار شاه طهماسب، رقابت دو پزشک در «باغ سعادت». نوشته سر در عالی قاپو» گشاه باد به دولت همیشه این درگاه « نیز بر سر در آن نوشته شده است. مأخذ: British Museum / عالمی، ۱۳۸۷.

بر اطرافش درخت بید و عرعرا / که ساینده از تقاخر بر فلک سر
 میان بید و عرعرا و تاک سرمست / چو مستی کو به هشیاران
 دهد دست (دوحه الازهار: ابیات ۱۷۹-۱۸۱)
 در دو طرف خیابان‌های باغ درختان سر به فلک کشیده و
 گل‌هایی بوده و جوی آب در دو طرف آن روان بوده است.

آب در باغ

در تمامی توصیفات که از باغ و عمارات آن شده است آب نقشی اساسی داشته که به صورت جوی‌های روان در خیابان‌ها و یا در حوض‌ها و استخرهای بیرون و درون عمارات حضور دارد. شاعر در این ابیات به منبع آب باغ که قنات اقبال است نیز اشاره می‌کند.

بنام آنکه بر حسب ارادت / مطرا ساخت گلزار سعادت
 روان فرمود آب از نهر اقبال / وزان باغ سعادت کرد پرحال

(۱۶۴-۱۶۳)

پیترو دل‌اواله که در سال ۱۰۲۵ ق. به ایران آمده است در سفرنامه خود می‌نویسد: "چیزی که در قزوین جلب توجه مرا کرد درشاهی بود که در یک میدان بزرگ واقع شده است. این درب نقاشی نشده و فاقد تزیینات طلائی است ولی عظمتی بسزا دارد" (دل‌اواله، ۱۳۴۸).

شاردن در سفرنامه خود که در سال ۱۰۵۸ ق. چهار ماه در قزوین بوده است می‌نویسد: "کاخ پادشاه هفت در دارد و بزرگترین آنها که در اصلی است عالی‌قاپو نام نامیده می‌شود که به معنی باب همایون است و کتیبه‌ای در بالای آن نصب شده است."

انگلبرت کمپفر که در ۱۰۹۶ ق. در زمان شاه سلیمان صفوی به ایران آمد هنگامی که از قزوین دیدار کرد، در مدت اقامت در این شهر، چند طرح از سردر عالی‌قاپو و خیابان مقابل آن و صحن مسجد جامع و جبهه شمالی آن که به دستور شاه طهماسب ساخته شده بود تهیه کرد. کمپفر به متن کتیبه سردر نیز اشاره می‌کند که عبارتست از:

گشاده باد به دولت همیشه این درگاه/ به حق اشهد ان لا اله الا الله^۶

طرحی از کمپفر این خیابان را نشان می‌دهد که وی آن را «راه ورودی عالی‌قاپو» نامیده است. در این طرح، خیابان مذکور فضایی چهارگوش (با طول ۶۵۰ قدم و عرض ۶۵ قدم) ترسیم شده است که درختان چنار و توت را یک در میان در دو سمت آن با فاصله هفت قدم کاشته‌اند (عالمی، جیحانی و رضایی‌پور، ۱۳۸۷: ۵۰)؛ (تصویر ۷).

ارشی خانه یا عمارت شاه طهماسب

به طور معمول در باغ‌های طراحی شده به ویژه باغ‌های حکومتی

سکونتگاهی غالباً از ورودی اصلی که در بیشتر موارد برای آن عمارتی طراحی می‌کردند و آن را عمارت سردر می‌خواندند تا ساختمان اصلی که در بیشتر موارد عمارت کوشک بود یک راه اصلی مستقیم ساخته می‌شد. در باغ سعادت‌آباد نیز یک خیابان از در ورودی تا حوض به صورت مستقیم و در راستایی جنوبی شمالی ساخته شده بود که خیابانی دیگر در وسط آن به شکل عمود بر آن احداث شده و آن را به دونیم تقسیم کرده بود به نحوی که در وسط باغ عرصه و سطحی مربع شکل پدید آمد (سلطان‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۸۴). از در این روضه جنت نشان / تا به سر حوض خیابان کشان راست رهی از پی کسب کمال / آمده از قبله به حد شمال آمده تا به سر حوض خطی مستقیم / کرده به عرض خط دیگر دو نیم

گشته خیابان دگر زان عیان / از حد مغرب سوی مشرق کشان

در وسط باغ به وضعی سعید / گشته یکی سطح مربع پدید قائمه تاک سر افراخته / سایه بهر کنج وی انداخته (روضه‌الصفات: ۲۱۳-۲۱۸)

در وسط عرصه مربع شکل پدید آمده از تقاطع دو خیابان باغ، عمارتی موسوم به ارشی خانه که شاعر آن را خانه شاهانه نامیده شکل گرفته بود. این عمارت بر روی صفا‌ای ساخته شده بود تا بالاتر از سطح زمین باشد تا کسانی که در آن استقرار می‌یابند به فضای باغ دید مناسبی داشته باشند. شاعر نحوه قرارگیری ساختمان روی صفا را به استقرار یک فرد عالی مقام بر روی سریر تشبیه کرده است.

در وسط آن ارشی‌خانه‌ای / خانه زیننده شاهانه‌ای

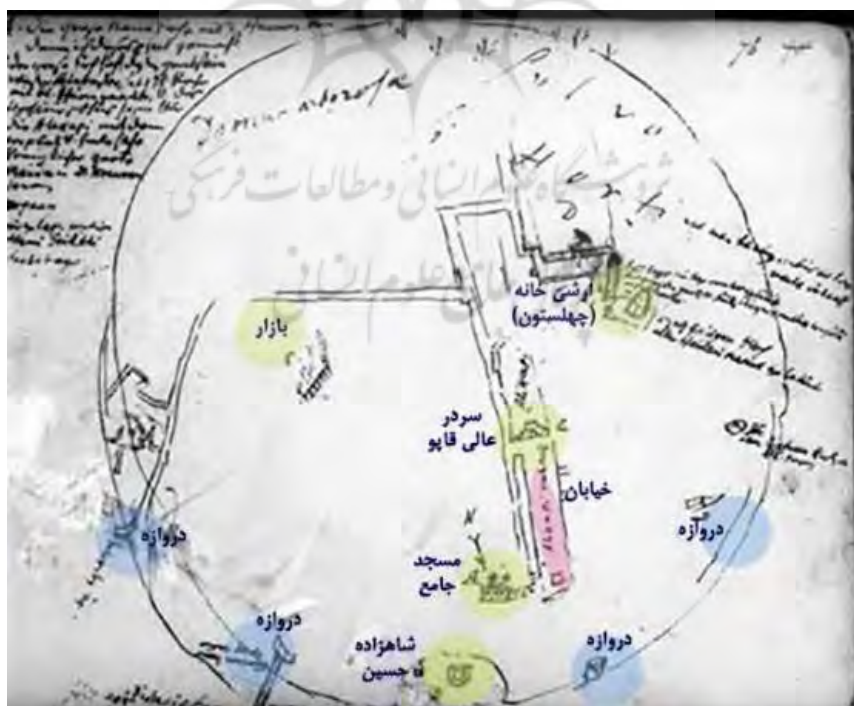
بر زبر صفا خاطر پذیر / همچو بزرگی که بود بر سریر آب که از حوض نهد رو به در / جانب این خانه نماید گذر



تصویر ۵. سردر عالی‌قاپو اثر انگلبرت کمپفر در سال ۱۰۹۶ ق. (۱۶۸۴ م.) / خیابان قزوین به سوی عالی‌قاپو اثر پاسکال کوست ۱۸۴۰ م. مأخذ: BritishLibrary / کتابخانه شهر مارسی: عالمی، ۱۳۹۰.



تصویر ۶. بازآفرینی درگاه باغ سعادت و خیابان روبروی آن. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۷. نقشه قزوین با خیابان اثر انگلبرت کمپفر با جانمایی‌های احتمالی از نگارنده. مأخذ: BritishLibrary/عالمی، ۱۳۹۰.

اکنون تنها عمارت موجود در این باغ عمارت چهلستون است که در سفرنامه‌های سیاحان قرن نوزدهم کلاه فرنگی یا چهلستون نامیده شده و نقشه بنایی چهار ایوانی هسته اصلی آن را تشکیل می‌دهد و عده‌ای معتقدند که این همان عمارت ارشی‌خانه است، هر چند که این شناسایی پرسش برانگیز است، زیرا تغییرات زیادی در این بنا در قرون نوزدهم و بیستم صورت گرفته است و این ادعا نیاز به بررسی‌های دقیق‌تر و باستان‌شناسی دارد.

ایوان و صفه شاهانه

گویا در امتداد ارشی‌خانه یا در فاصله‌ای نه چندان دور از آن ایوانی ساخته شده بود به گونه‌ای که شاعر اشاره کرده که پس از خارج شدن از ارشی‌خانه و زمانی که به وسط خیابان برسی به روی به ایوان داشته باشی، آن صفه شاهانه نمایان می‌شود.

چون به میان جای خیابان رسید/ خضر به سرچشمه حیوان رسید

کرد تماشا ارشی‌خانه را / داد تسلی دل دیوانه را

روی از آنجا سوی ایوان نهاد/ چشم برآن قبله احسان نهاد
صفه شاهانه پدیدار شد/ جان و دل از عیش خیر دار شد
آب روان دید که از آبشار/ کرده درو سیر وسط اختیار
(روضه‌الصفات: ۲۵۱-۲۵۵)

صفت سرحوض و ایوان

از ابیات پیشین به دست می‌آید که صفه در مربع تقاطع خیابان‌ها قرار دارد و در دو طرف صفه شاهانه دو چنار بلند وجود دارد که در اطراف هر یک تاکی بلند است که بر اطراف سایه می‌اندازد. رفت بر ایوان و بر افراخت سر/ حوض مربع بنظر جلوه‌گر بر شده ایوان شهنشاهیش / عمر طلب خضر اهیش

حوض مربع که در این خانه است / مرکز این خانه شاهانه است

خانه بهشتی‌ست همایون سرشت/ حوض چو کوثر که بود در بهشت

چار ستون نصب بر اطراف حوض/ عکس نما در دل شفاف حوض (روضه‌الصفات: ۲۱۹-۲۲۴)

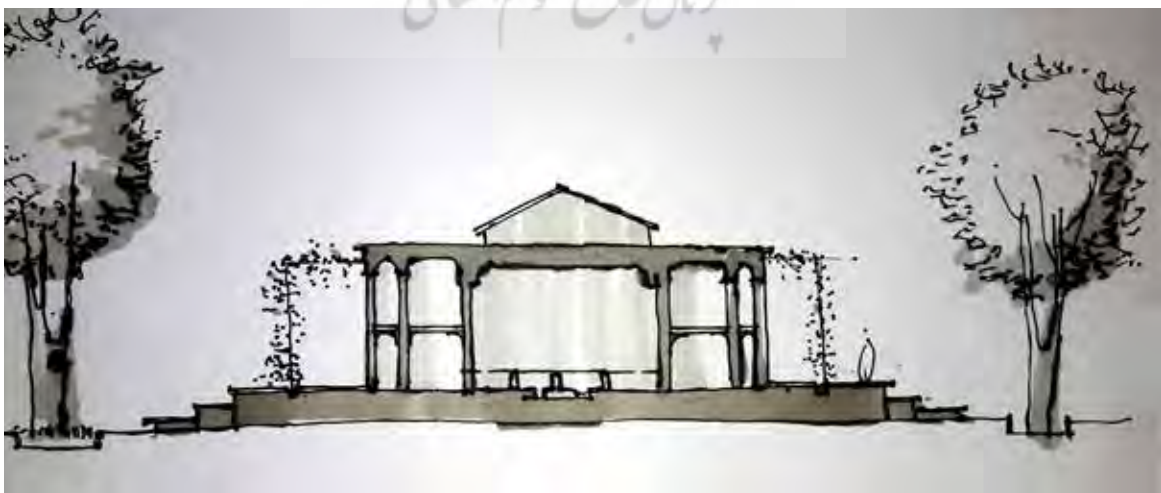
در وسط این ساختمان حوضی به شکل مربع قرار داشت که چهار ستون در چهار گوشه آن واقع بود. در سقف این فضا گلجام‌هایی بود که نور را به درون هدایت می‌کرد. جریان آب از این ساختمان بیرون می‌رفت و به جوی‌های درون باغ راه می‌یافت. این ساختمان دوازده پنجره داشت و در بالای پنجره نیز جامی ساخته شده بود. می‌توان حدس زد که هر یک از چهار جبهه عمارت یک سطح با سه پنجره به صورت سه دری یا ترکیبی دیگر قرار داشت. روی سطح فضای داخلی این عمارت با نقش‌ها و نگاره‌های گوناگون تزیین شده بود.

از ده و دو پنجره‌اش روشنی/ برده و و دو برج فلک مبتنی
بر سر هر پنجره جامی چو مهر/ سرخوش از آن جام شده نه سپهر

سقف و کنارش همه پر نقش و زیب حوض ز عکسش شده
مانی فریب (روضه‌الصفات : ۲۲۹-۲۳۱)

شاعر در توصیف نقوش گیاهی دیوار آن را به باغی همیشه بهار توصیف می‌کند که در آن از جانور وحشی و اهلی چون شیر و پلنگ و آهو و پرندگان و حیوانات خیالی چون سیمرغ همه با هم هم‌خانه‌اند. آبی که از حوض ارشی‌خانه خارج می‌شود دوشاخه شده و تا انتهای باغ جاری می‌شود (تصویر ۸).

آب ازین خانه چو آید به در / بهر خیابان دو شود در گذر
با دو زبان مدح کند شاه را / فیض دهد خاطر آگاه را
تا بدر باغ خرامان شود/ انجمن آرای خیابان شود (روضه
الصفات: ۲۳۹-۲۴۱)



تصویر ۸: بازآفرینی ارشی‌خانه. مأخذ: نگارندگان.

(روضه‌الصفات : ۲۶۳-۲۶۴)

خاسته بر دامنش از هر کنار/ چون دو سهی قد دو همایون
چنار
پهلوی هر یک شده تاکی بلند/ بر فلک انداخته گویی کمند
(روضه‌الصفات: ۲۶۳-۲۶۴)

در درون یا بیرون ایوان نامبرده حوضی مربع شکل و در هر
یک از دو طرف ایوان یک ایوان دیگر ساخته شده بود. ایوان
دیگری نیز در جبهه شمالی همین محوطه وجود داشت و
حوضی به شکل هشت‌ضلعی در ارتباط با حوض مربع‌شکل
قرار داشت که آب از حوضی به حوض دیگر می‌ریخت. فرم
این ایوان‌های رودر رو یادآور فرم ساختمان‌های هشت بهشت
است.

پهلوی ایوان ز یمین و یسار / گشته دو ایوان دگر آشکار
بر سر آن منظر فرخنده فال / ساخته ایوان دگر بر شمال
از چپ و از راست درآید دوجوی/ روی بحوض آورد از هر دو
سوی

از دو طرف جوی بهم آورده سر/ بسته ز تعظیم بخدمت کمر
حوض مثنی شده پر زان زلال / یافته با قرص کمر اتصال
آب ازان حوض برآورده سر / ریخته از لطف بحوضی دگر
حوض مربع چو لبالب شده / آینه صاف مرتب شده
(روضه‌الصفات : ۲۶۹-۲۷۵)

بنای چهلستون امروزی

به عقیده استاد تاریخ احسان اشراقی بنای ارشی‌خانه که در
مرکز باغ سعادت و در تقاطع دو خیابان اصلی باغ به وجود
آمده بود، نشیمن‌گاه اصلی شاه تهماسب شمرده می‌شد و
همان است که امروز به عمارت چهلستون معروف است. در
اغلب منابع صفوی- مانند عالم آرای عباسی، نقاوه الاثار،
جواهر الاخبار، خلاصه التواریخ- به دفعات از این عمارت یاد
شده است و بعضی آن را محل اجرای مراسم تاج‌گذاری،
مجالس عروسی و پذیرایی از شخصیت‌های خارجی نوشته‌اند
(اشراقی، ۱۳۸۷).

در حال حاضر، چهلستون ساختمانی است دو طبقه که طبقه
اول با پله‌های مارپیچی به قسمت دوم می‌پیوندد و چند
دیوارنگاره که از زیر گچ بیرون آمده است، بعضی تصویرهای
دوران شاه تهماسب را نشان می‌دهد (همان : ۴۷).

محمدعلی گلریز نیز معتقد است که چهلستون امروزی همان
عمارت شاه تهماسب بوده است : «در این باغ ساختمان
دو اشکوبه است که از چهار سوی آن عمارت چهار خیابان
احداث کرده بودند که خیابان جنوبی از دیگران طولانی‌تر
و وسیع‌تر و بسیار تمیز و پاکیزه بود- دو سوی خیابان‌ها را
چنارهای بلند احاطه کرده و سرتاسر باغ از درختان میوه‌دار
پوشیده بود- دو حوض در شمال و جنوب عمارت قرار داشت

که همواره آب از نهرهای پیرامون کلاه فرنگی داخل حوض
می‌شد و از نهری که در وسط خیابان جنوبی بود به جانب
حیاط نادری می‌رفت. این عمارت تا پیش از ۱۳۰۰ هجری به
"کلاه فرنگی شاه تهماسب" معروف بوده است. حدس قریب
به یقین این است که مرحوم سعدالسلطنه در سال ۱۳۰۶ یا
۱۳۱۲ که فرماندار قزوین بود آنجا را تعمیر اساسی کرده و
آن را بنام چهلستون خوانده است" (گلریز، ۱۳۳۷ : ۶۴۷). به
نظر دبیرسیاقی نیز کاخ چهلستون امروزی همان ارشی‌خانه
است (دبیرسیاقی، ۱۳۸۱).

در اشعار عبدی بیگ به واژه «چهلستون» اشاره‌ای نشده ولی
از آنجایی که به این واژه در متون تاریخی نیز اشاره شده
است می‌توان نتیجه گرفت که این عنوان بعد از نوشتن اشعار
عبدی‌بیگ به یکی از عمارات اطلاق می‌شده است. در زیر
نمونه‌هایی از به‌کارگیری عبارت چهلستون در متون تاریخی
اشاره می‌شود :

اسکندر بیک منشی در ذکر نقاشان (دوره شاه تهماسب
اول) می‌نویسد : «... مولانا مظفر علی...نسبت خویشی با
استاد بهزاد دارد و در خدمت او کسب هنر نموده...تصویرات
دولتخانه همایون و مجلس چهلستون طراحی مشارالیه و
اکثر نگاشته ارقام زرین‌فام اوست» (ترکمان، ۱۳۴۴ : ۱۷۴).
همچنین می‌نویسد : «... این جماعت را از بالاخانه‌ها که بین
میدان اسب و دولتخانه بود به چهلستون آوردند (همان :
۳۷۱). در «عالم آرای شاه تهماسب» نیز آمده است که
«...شاه تهماسب ... از تبریز به قزوین آمده و در چهلستون به
عشرت قرار گرفت» (دبیر سیاقی، ۱۳۸۱)؛ (تصویر ۹).

استخر بزرگ

در پهنه دولتخانه صفوی قزوین استخرها و حوض‌ها و
جوی‌های فراوانی وجود داشته است اما استخر بزرگ جایی
است که توجه مورخانی که در دوره صفوی در دربار شاهی
حضور یافته‌اند را به خود جلب کرده است. پیتر و دلواله درباره
استخر بزرگ می‌نویسد : «یکشنبه در باغی که فقط با یک
خیابان از قصر شاهی جدا شده و نام آن باغ جنت است شاه به
سفیر اسپانی اجازه شرفیابی داد. این باغ که آن را باغ جنت
یعنی بهشت می‌نامند، به منظر من بایستی جنگلی یا بهتر
بگویم جنگل مسکونی نامیده می‌شد، زیرا چیز دیگری جز
تعداد زیادی درختان بلند و انبوه چنار که بر آن سایه افکنده
بود نداشت. این باغ خیابان‌های عریضی داشت که در جوی-
های آن آب جاری بود ... در میان باغ بنای کوچکی با چند
اتاق دیده می‌شد. روبروی این بنا استخر بزرگ چهارگوشی
بود که در یکی از اضلاع آن مقابل عمارت، نشیمن‌گاه مسقفی
ساخته بودند. این قسمت چون شبه‌جزیره‌ای در استخر پیش
رفته و از سه جانب مشرف بر آب بود و سقف این محل کوچک

صفای آیش از دل درد برده / به لطف از چهره جان گرد برده
پر از غاز و بط و قو آب شفاف / چو جوهر در دل آینه صاف
زند هر لحظه چون بر آی منقار / به گردش دایره خیزد ز پرگار
(دوحه‌الازهار: ۳۶۱-۳۷۵)

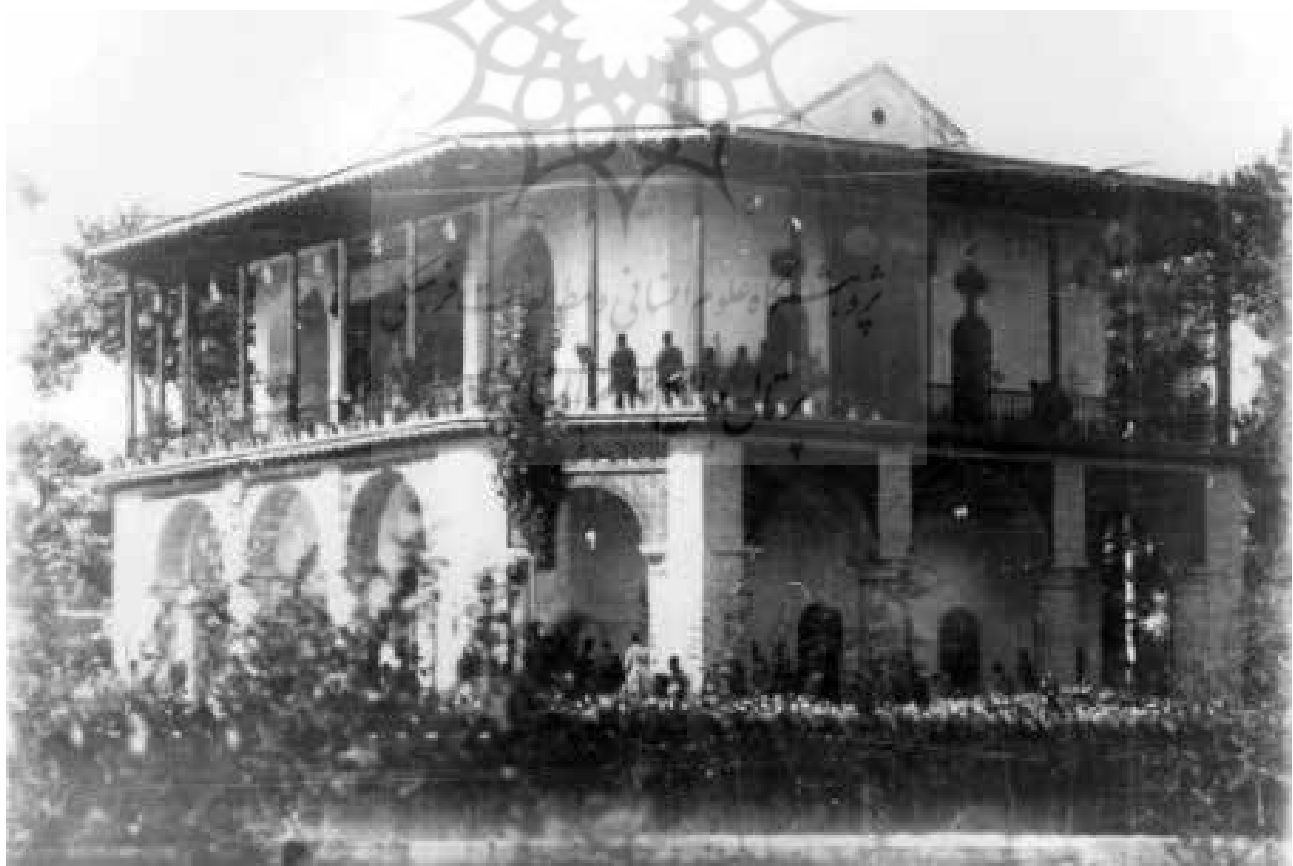
خانه شروانی یا عمارت بهرام‌میرزا

عمارت دیگری که در منظومه‌های عبدی‌بیگ شرح کاملی از آن بیان می‌شود خانه شروانی^۷ است. به عقیده ابوالفضل رحیموف^۸ در مقدمه این مجموعه این بنا متعلق به بهرام‌میرزا برادر شاه طهماسب بوده و گویا در باغ کوچکتی که جزء مجموعه باغ سعادت‌آباد بوده و در سمت غربی باغ سعادت‌آباد جای داشته است. عبدی‌بیگ ضمن بیان ویژگی‌های فضایی این بنا نقاشی‌های آن را هم شرح می‌دهد. در باغ بهرام‌میرزا جویی از سمت شمال به سوی قبله در وسط خیابان قرار داشت و صفا شاهانه و خانه شروانی در میان آن جای داشت. قسم نخستین ز ریاض ارم / کز طرف غرب بر آرد علم گلشن زیننده بهرامی است / کامده چون خلد برین نامی

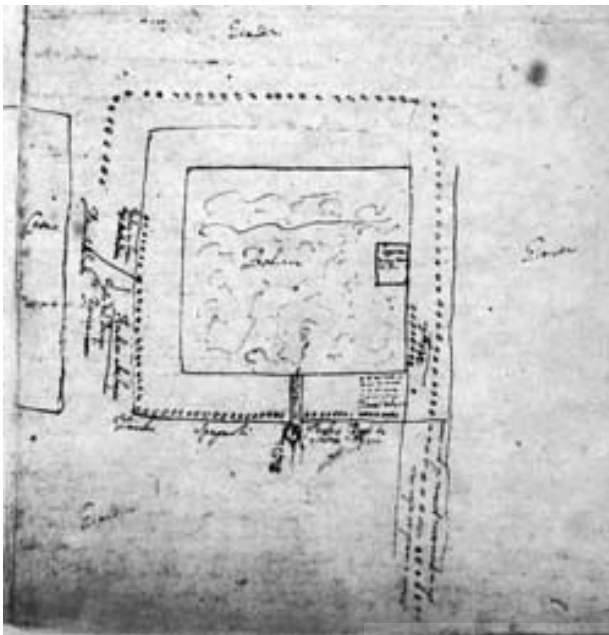
را بر چهار ستون قرار داده بودند چنان‌که اطرافش باز و برای جریان هوا آزاد بود. منتهی به علت وسعت کم فقط اشخاص معدودی می‌توانستند آنجا بنشینند و از هوای خنک و فرح بخش باغ استفاده کنند» (دلاواله، ۱۳۴۸: ۳۱۱ و ۳۱۲). برای تعیین محل استخر به توصیفات همراهان دنگارسیا دسیلو فیگوئورا سفیر اسپانیا باید توجه کرد: «... راهنمایان در وسط خیابان به سمت راست پیچیدند و سفیر را به خیابانی کوتاه‌تر اما باز هم پردرخت راهنمایی کردند. در انتهای این خیابان پردرخت استخری زیبا و بسیار بزرگ بود به مساحت یکصد و پنجاه پای مربع و در وسط آن دفتر کاری خوش‌ساخت که از همه طرف باز بود و جز یک غرفه که به وسیله چهارستون بزرگ چوبی برپا بود جایی نداشت. راه ورودی این دفتر دالان یا پل سرپوشیده‌ای بود به پهنای چهار پنج پا و جان پناهی در دو طرف» (دسیلو فیگوئورا، ۱۳۶۳: ۲۶۵)؛ (تصویر ۱۰).

وصف سر حوض از زبان عبدی بیگ :

چه گویم وصف این حوض فلک رنگ که با دریای افلاک
است یکرنگ



تصویر ۹: چهلستون امروزی. مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان.



تصویر ۱۰: پذیرایی شاه عباس از مهمانان خود در استخر بزرگ باغ جنت اثر پیتر دلاواله. مأخذ: Biblioteca Apostolica Vaticana / علمی، ۱۳۹۰.

(روضه‌الصفات: ۴۶۵-۴۶۹)

هر سوی ایوان همایون بنا / کامده لایق بهزاران ثنا
ساخته دو گنبدی خسروی / زان دو همه کار جهان را نوی
هر یک از آن را پس طاقی قرار / گشته دو طاقش چو دو ابروی
یار (روضه‌الصفات: ۴۹۱-۴۹۳)

وصف حوض خانه شروانی

بروی صفا شاهانه‌اش جای / چو شاهی جم سپاهی
مسند آرای
درونش حوض کوثرش دلفروز / ز رشکش مضطرب مهر
جهانسوز
یکی فواره از حوضش زده سر / چنان کاندرا فلک خورشید
انور (دوحه‌الازهار: ۲۹۰-۲۹۳)
ز زرین آفتابه آب در جوش / هزاران آفتابش حلقه در گوش
بزرین آفتابه از چپ و راست / نموده کارفرما لولها راست
ز هر یک لوله بیرون جسته آبی / هلالی چند ظاهر ز آفتابی
به تازی چند کرده استوارش / که هموار آید آب از هر کنارش
ز آبی کان برون آید ز اندام / یکی گنبد پدید آید فلک فام
(دوحه‌الازهار: ۲۹۶-۳۰۱)
درونش شمع‌ها روشن شب تار / ز بزم خسروی گشته نمودار
نشانش زایه نور علی نور / که دید آتش درون آب مستور
بصورت همچو فانوسی است پر نور / که در پیراهن آبیست

است (روضه‌الصفات: ۴۴۰-۴۳۹).

خیابانی از درگاه باغ تا ایوان بنا (کوشک) کشیده شده است. دو طرف این خیابان صفی از درختان بلند قرار دارد. خیابانی دیگر هم از غرب تا شرق کشیده شده و سطح باغ را تقسیم کرده است. در محلی که این دو خط به هم می‌رسند سطح مربعی پدیدار شده است. در کنج این مربع که از سبزه و گل پوشیده شده است تاک‌هایی زیبا قرار دارد.

رو بسوی قبله ز صوب شمال / آمده جویی پر آب زلال
در دل خود داده خیابانش جای / بلکه نه دل ساخته در جانش
جای

صفا شاهانه در اقصای آن / خانه شروانش اندر میان
خانه مگو پاک ضمیری به حال / در دل او حوض پر آب زلال
(روضه‌الصفات: ۴۴۵-۴۴۸)

خیابانی دگر از غرب تا شرق / به قسمت کرده سطح باغ را
فرق
به سطحی کاین دو خط برهم گذشته / مربع عرصه‌ای آماده
گشته

عیان بر چار کنج این مربع / که هست از سبزه و گل‌ها ملمع
فلک‌سا تاک‌های عالم آرا / فلک‌های معلا بر ثریا
در آن دلکش فضا عالی بنایی / فلک مانند شروانی سرایی
همایون خانه وندر میانش / مربع حوضی از کوثر نشانش
(دوحه‌الازهار: ۱۹۳-۱۹۸)

بر این اساس فضای وسیعی در دل این خانه شاهانه است. سقف این بنا پر از نقاشی‌های سقفی است که عکسشان در حوض می‌افتاده است. در دیدگاه عبدی بیگ، سقف نشانی از عالم بالاست و حوض از آن فیض کسب کرده است و به فضا می‌رساند.

خانه شاهانه گردون فضا / عرش صفت بر سر کرسیش جا
سقف وی از نقش چو صحن خیال / عکس فکن گشته بر آب
زال
آن دهد از عالم بالا نشان / وین به فضا فیض ستاند از آن
(روضه‌الصفات: ۴۴۹-۴۵۱)

در کنار باغ بهرام‌میرزا دو ایوان ساخته شده بود که بر روی یکی نقوش خطایی و بر دیگری شکل وحوش و طیور نقش بسته بود. در کنار حوضی که در این عرصه قرار داشت تالار و در طرف شمال حوض دکانی ساخته شده بود و در دو سوی ایوان همایونی دو گنبد ساخته شده بود (سلطان‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۸۵)؛ (تصویر ۱۱ و ۱۲).

پهلوی این روضه مینوسرشت / کامده از فیض چو باغ بهشت
بر شده ایوان سپهر ارتفاع / در فلکش با مه و مهر اجتماع
بر سر هم کرده دو ایوان مکان / داده به مردم ز دو عالم نشان
گشته ز کاشیگری پیش طاق / غیرت این گنبد نیلی رواق
بر یکی از اصل خطایی نقوش / بر دگری شکل طیور و وحوش

مستور (دوحه الازهار: ۳۱۲-۳۱۴).

به گفته عبدی‌بیگ، در این قصر فواره‌ای بوده که در آن، آب از لوله‌هایی جریان یافته و به صورت گنبدی فوران می‌زده که منظره زیبایی را به وجود می‌آورد. بازی با آب و خلق شکل‌های مختلف از آب از ویژگی‌های باغ ایرانی است. عمارت شروانی قصری زیبا در محوطه باغ و محصور در باغچه‌های گل و چمن بوده که امروز اثری از آن به چشم نمی‌خورد. این قصر، با کاشیکاری‌های رنگارنگ و ظریف و دیوارنگاره‌ها و کتیبه‌هایی مزین شده بود و پنجره‌های شیشه‌ای متنوع داشت که روشنایی داخل آن را تأمین می‌کرد. مقابل این قصر، حوض آب بزرگی قرار داشت که پلی بر روی آن ساخته شده بود که اشخاص بتوانند به وسیله آن به سوی دیگر تالار بروند. شاعر در توصیف باغ و عمارت شروانی، از مرگ بهرام‌میرزا با تأسف یاد می‌کند و پیداست که به هنگام عرضه منظومه جنات‌عدن، بهرام‌میرزا در حیات نبوده است.

پس از وفات شاه طهماسب در سال ۹۸۴ق. اسکندر بیک منشی در عالم‌آرای عباسی می‌نویسد: "میرسید حسن مجتهد عاملی ... به دولتخانه مبارک آمد جسد مطهرش را به آیین شریعت غرا غسل داده در بورت شیروانی که مابین باغچه حرم و دیوانخانه است گذاشتند..." (ترکمان، ۱۳۴۴: ۱۲۳ و ۱۲۴). انگلبرت کمپفر که در سال ۱۶۸۴ م. از قزوین دیدن می‌کند و نقش‌های از باغ سعادت کشیده و آن را باغ پشت عالی‌قاو می‌نامد. طرحی که کمپفر از باغ کشیده خیابانی را نشان می‌دهد که از سردر، جایی که دو توپ تصویر شده است، تا بنایی با پوشش شیروانی، واقع در محل تقاطع با خیابانی شرقی-غربی کشیده شده است. کمپفر میدان بازی چوگان و قباق‌اندازی و نیز دو معبر عرضی دیگر را ترسیم کرده است. او همچنین یک ایوان بلند، یا سردر و محوطه‌ای هشت‌گوش را

در کنار دیوار غربی آن تصویر کرده است. دیرک‌های چوگان و قباق‌اندازی در طرح کمپفر روشن می‌کند که شروانی‌سرای "سرایعیش" شاه بوده است و میدان و زمین ورزش و تمرین او (عالمی، جیحانی و رضایی‌پور، ۱۳۸۷: ۵۱)؛ (تصویر ۱۳). در دیگر توصیفی که از باغ پشت عالی‌قاو می‌شود می‌توان به نوشته پیترو دل‌واله که در سال ۱۰۲۵ق. به ایران آمده است اشاره کرد که در سفرنامه خود می‌نویسد: "در پس آن نخست دالان مرتفعی قرار گرفته که دربان‌ها در آن جای دارند و بعد حیاط بزرگ و زیبایی واقع شده که پر از درخت چنار است و کسانی که صبح‌ها در انتظار خروج شاه ایستاده‌اند از سایه آنها استفاده می‌کنند. جلو حیاط در محل سرپشته‌ای یک حوضخانه‌ای ساخته شده که بالای آن یک تالار نسبتاً طویل است که صوفی‌ها در آن اطعام می‌شوند. در قسمت چپ دیوار مقابل حیاط درب دالان دیگری واقع شده که مخصوص بار عام شاه است و بعد از این دالان درب سومی قرار دارد که شاه برای بار عام از آنجا وارد می‌شود و در قسمت چپ همین دالان درب دیگری است که اگر شاه بخواهد با اسب وارد شود از آن استفاده می‌کند. در دالان اول طاق‌نماهایی است که قسمتی از آن در اختیار غلامان شاه است و در سمت دیگر صندوق و وسایل مسافرت و پیشکش‌ها را قرار می‌دهند (دل‌واله، ۱۳۴۸).

توصیفاتی که دل‌واله از باغ پشت سردر ارایه می‌دهد تفاوت بسیاری با توصیفات انگلبرت کمپفر داشته که نشان از تغییرات بسیار در ساختار باغ با گذشت زمان دارد.

باغ حرم

در اشعار عبدی بیگ آمده است که باغ دیوانخانه و باغ حرم مجاور بوده‌اند و باغ حرم دارای دو ایوان شرقی و شمالی بوده است و ایوان شرقی دو طاق کنار هم داشته که شاعر آنها را



تصویر ۱۱. بازآفرینی خانه شروانی. مأخذ: نگارندگان.

آثار شاه طهماسب اول می نویسد: "... و در پایان برج کبوتری که برابری با نسر طایر نمودی ساخت ... (قمی، ۱۳۶۳: ۳۱۲). همچنین هنریش بروگش در کتاب "سفری به دربار سلطان صاحبقران" نوشته است: "روی تراس محل اقامت ما برج کوچک و مناره‌ای قرار داشت که مخروطه به نظر می‌رسید و ظاهراً برای مدت‌ها کسی از آن بالا نرفته بود. من از پله‌های مارپیچ و طولانی این مناره خود را به بالای آن رساندم و در آنجا تمام شهر قزوین را زیر پای خود دیدم. منظرهای بسیار جالب و تماشایی بود" (بروگش، ۱۳۶۷: ۱۵۹)؛ (تصویر ۱۴).

از تصاویر موجود می‌توان دریافت که برج مورد نظر همجوار با دیوانخانه جدید بوده است و توده عظیم این بنا نسبت به کاخ در تصویر مذکور، بیانگر نوعی بنایی خاص بوده که کمتر از آن صحبت شده است. نوشته قمی در عصر صفوی در خصوص برج کبوتر شاید معرفی همین بنا باشد ولی این بنا شبیه کبوتر خانه‌های تاریخی نیست. نوشته هنریش بروگش با توجه به تاریخ سفر وی و تصویر قاجاری که به آن استناد شده به احتمال زیاد بنای مذکور بوده است.

خوانساری در کتاب "باغ ایرانی، بازتاب بهشت" نیز در توضیح لیتوگراف اولین محوطه داخلی کاخ قزوین به نقل از اوژن فلاندن آورده است که در این تصویر ساختمان بلندی دیده می‌شود که زنان حرم می‌توانستند در آن بدون نگرانی از نگاه نامحرمان از مناظر اطراف لذت ببرند (خوانساری، ۱۳۸۳: ۷۶). با توجه به موقعیت قرارگیری این بنا در دل باغات شهرشاهی و حجم بزرگ و ارتفاع بلند این بنا، احتمال وجود کبوترخانه در قسمتی از این بنا وجود داشته ولی کاربری این بنا را می‌توان محلی مخصوص درباریان و مهمانان ایشان به منظور استفاده از چشم‌انداز مناظر اطراف ارزیابی کرد؛ از این رو این بنا را می‌توان نظرگاه نامید (دیزانی، ۱۳۹۰). در متن اشعار عبدی بیگ به این ساختمان اشاره‌ای نشده است و محتمل است که بعد از سرودن اشعار ساخته شده باشد.

به دو ابرو تشبیه کرده است :

گلستان حرام از سوی دیگر / که با باغ بهشت آمد برابر
بهر ایوان که آید در مقابل / شود آئینه بختش مقابل
(دوحه‌الزهار: ۶۶۴-۶۶۵)

ز دیوانخانه چون بیرون نهی پای / ز گلزار حرم گردی دلارای
ره افتد اولت از بخت عالی / به ایوان‌های شرقی و شمالی
دو ایوان رو بمشرق پهلوی هم / بود آراسته همچون دو عالم
دو طاق عالم‌آرا چون دو ابرو / بهم آراسته پهلوی به پهلوی
(دوحه‌الزهار: ۶۶۸-۶۷۱)

وصف باغ حرم و حوض‌ها

باغ حرم نیز دارای حوض‌های متعددی بوده که شاعر در توصیف یکی از آنها اشاره می‌کند که دور آن باغچه گل بوده که با ریختن برگ گل‌ها در آب منظرهای بدیع ایجاد می‌شده است: مربع حوض‌ها از وصف بیرون / نبوده مثلشان در ربع مسکون
از آنجمله یکی حوض مصفا / دل از سیمین فواره کرده شیدا
(دوحه‌الزهار: ۷۰۱-۷۰۲)

بگرد حوض گل‌ها گونه‌گونه / هم از کوثر هم از جنت نمونه
(دوحه‌الزهار: ۷۰۷)

روان افروز حوض عشرت انگیز / بحوض افتاده گل از باد گلریز
(دوحه‌الزهار: ۷۱۰)

مسجد پنجه‌علی نیز که در زمان شاه طهماسب اول مقارن با ایجاد عمارات شاهی ساخته شد و ظاهراً به وسیله یک راهروی زیرزمینی به حرمسرا متصل بوده و مسجد به عبادت بانوان حرم اختصاص داشته است. دروازه پنجه‌علی که در "نقاوه- الاثار" اثر افوشته‌ای نطنزی ذکر آن رفته، احتمالاً نزدیک این مسجد بوده است (اشراقی، ۱۳۹۰).

برج کبوتر

قاضی میر احمد حسینی قمی در خلاصه‌التواریخ در رابطه با



تصویر ۱۲. بازآفرینی حوض خانه شروانی. مأخذ: نگارندگان.

مربوط به پادشاهان صفویه باشد- این باغ وسیع با درختان بلند چنار و سایر اشجار زینت یافته بود- جلو عمارت خیابان سنگ فرش بسیار پهنی داشت و چندین خیابان طول و عرض آن را قطع می کردند در وسط حوضی دراز و طولانی از غرب به شرق مانند حوض حیاط کلاه فرنگی یا چهلستون قرار داده بودند. ایوان نادری متصل به ایوان های دو اشکوبه شرقی و شمالی سردر و با بناهای شمال و غرب سر در عالی قاپو مجموعاً دولتخانه شاهی (اعم از چهلستون و تالارها و سفره خانه و کتابخانه و بالاخانه و تالار طویله و...) را تشکیل می داده اند (گلریز، ۱۳۳۷: ۶۵۲).

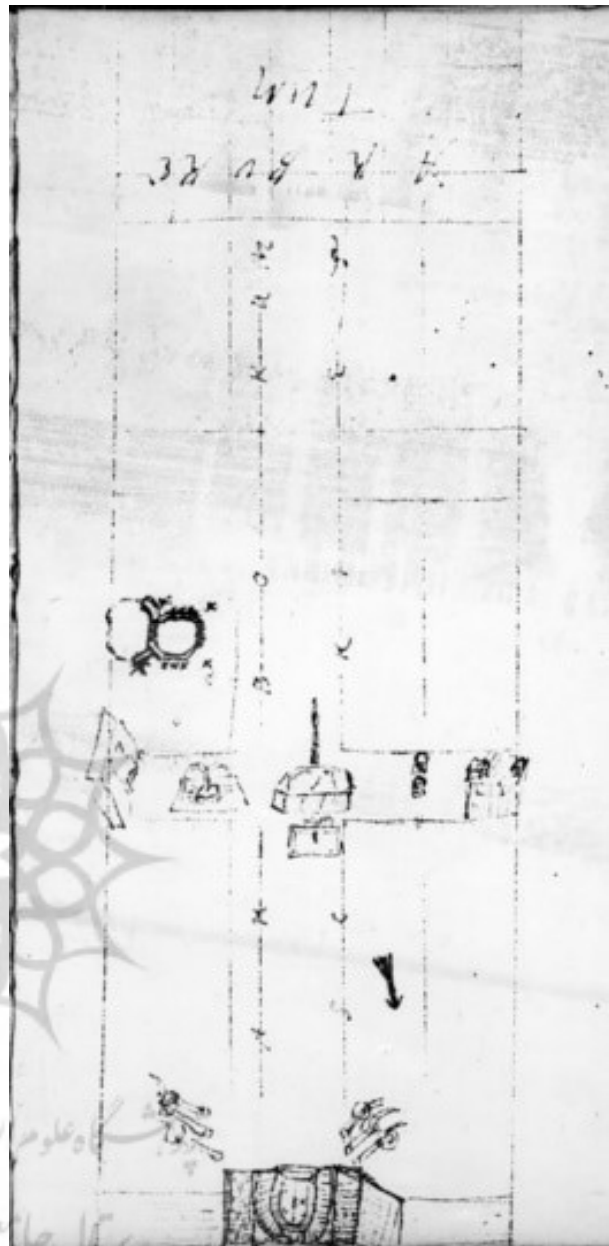
عمارت این حیاط در طرف مغرب بنا شده بود و چنانچه در تصویر دیده می شود تالار مجلل بزرگ و مرتفعی در وسط است که دو ستون بلند قوائم آن هستند و روی آنها را چوب های نقاشی شده زینت داده است. ازاره های عمارت از سنگ و پله های وسیع با سبکی بدیع از سنگ تراشیده در آن به کار رفته است و سراسر تالار با گچ سفید شده، سقف ایوان قاب شده و پوشش آن خرپشته ای بود.

در هر دو طرف تالار دو ایوان وسیع واقع شده بود و جبهه این ایوان ها را به شکل هلال با کاشی تزیین کرده بودند. تالار مذکور به اندازه یک متر از کف حیاط مرتفع تر بود و جلو تالار در و ارسی نداشت و چنین می نمود که برای روز سلام ساخته شده باشند. اما ایوان های چهارگانه درهای بزرگی داشتند که نیمی از تنه آنها از شیشه بود (همان). در وسط دیوار شمالی حیاط نادری دری بود که از آن به باغ چهلستون رفت و آمد می شد.

آخرین تخریبی که در ایوان موسوم به نادری انجام گرفته، مربوط به جنگ جهانی دوم است که در دوران حضور نیروهای متفقین پس از ۱۳۲۰ شمسی در قزوین صورت گرفت. در زمان پهلوی در شمال این حیاط یک دبیرستان ساختند (تصویر ۱۵).

در نیمی از شمال محوطه ایوان نادری یعنی از انتهای خیابانی که از کلاه فرنگی به سوی جنوب می آمد دیوار آجری مرتفعی به طرف غرب ممتد بود که به شمالی ترین قسمت تالارهای ایوان وصل می شد. در پشت دیوار مذکور که احتمالاً دیوار جنوبی حرم خانه بوده است حیاطی قرار داشت با حمامی بزرگ و حوضها از سنگ تراشیده. حیاط دیگر در غرب حیاط مذکور بوده که ورودی آن از خیابان پیغمبریه بوده هر دو حیاط و ساختمان های جنوب آن تا محاذی پنجه علی جزء حرم خانه بوده است (دبیر سیاقی، ۱۳۸۱).

هنریش بروگش در سفرنامه دوم خود به ایران با نام "در سرزمین آفتاب" در ۱۸۸۵م. و ۱۳۰۴ق. در مورد باغ سعادت آباد می نویسد: "باغی که در پشت این دروازه قرار دارد و دارای درختان کهنسال چنار و تبریزی است و ظاهراً"



تصویر ۱۳: باغ پشت عالی قاپو به نام باسعادت اثر طرح انگلبرت کمپفر. مأخذ: BritishLibrary، عالمی، ۱۳۹۰.

دیوانخانه جدید (ایوان نادری)

عمارت دیگری که در متون تاریخی به آن اشاره های زیادی شده است عمارت دیوانخانه است. در دوره های بعدی با این عمارت ایوان نادری می گفتند. تسمیه این حیاط به نادری معلوم نیست از کجا سرچشمه گرفته است زیرا نادر شاه اگر چه بارها از قزوین گذشته اما در آنجا زیاد توقف نکرده است که عمارت بسازد محتمل است ریشه و بنیان این بنا نیز



تصویر ۱۴. دیوانخانه جدید یا ایوان نادری و برج کبوتر. مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان؛ خوانساری، ۱۳۸۳: ۷۷/ اثر اورژن فلاندن.

مسقفی گذشته وارد حیاط وسیعی شدیم که درختان چنار زیادی داشت ... در انتهای این حیاط دالان طویل دیگری تاریک‌تر از اولی بود. از آنهم عبور کردیم و به حیاط دومی وارد شدیم. در مقابل ما عمارت ایوان‌داری پدیدار شد. از معبر تنگی به تالار پذیرایی وارد شدیم. این تالار به شکل مربع مستطیل بود و درب شیشه‌ای بزرگی هم داشت که به طرف باغ باز می‌شد و آن را تا نیمه بالا کشیده بودند تا هوا و روشنایی به داخل نفوذ کند. از میان این در باغ بزرگی دیده می‌شد که در مرکز آن حوضی بود و از هر طرف آجرهای کاشی فیروزهای داشت و به جریان آب جلوه‌ای خاص می‌داد... این تالار تزئینات مهمی نداشت دیوارها سفید و دارای گچ‌بریهای رنگینی بودند... (دبیرسیاقی، ۱۳۸۱: ۳۲۶)

با توجه به آن چه در اشعار عبدی‌بیگ و متون دیگر دوران صفوی و قاجاری و سفرنامه‌ها نقل شده، ایوان نادری یا چهلستون قدیم متصل به ایوان‌های دو اشکوبه شرقی و شمالی سردر و با بناهای شمال و غرب سردر عالی‌قاپو مجموعاً دولتخانه شاهی تشکیل می‌داده‌اند (همان: ۴۸۴). مهندس دیزانی نیز در مقاله خود مدعی شده است که چهلستونی که در منابع قدیم به آن اشاره شده است همین ایوان نادری است.

باغ‌های خصوصی مجموعه باغ سعادت‌آباد

در هنگام توصیف روضه‌الصفات در باغ سعادت‌آباد ۲۳ باغ خصوصی و گلزار و موستان و چمنزار بوده است. چهارده باغ جانب شرقی ارشی‌خانه و هشت باغ و یک چمنزار هم در در مغرب ارشی‌خانه بوده است و هر یک از این باغ‌ها به یکی از اعیان و خویشاوندان شاه و دربارین تعلق داشته است. این تقسیم‌بندی طوری بود که انگار باغ با پرگار و به دقت به

مدتهاست که به آن توجهی نمی‌شود و در وضع نامطلوبی به سر می‌برد. خیابان‌های زیادی در این باغ تعبیه شده است و دو خیابان اصلی در مقابل عمارت یکدیگر را قطع می‌کنند یکی از آنها به باغ مخروبه دیگری منتهی می‌شود که طرح اولیه‌اش از ذوق و سلیقه عالی معمار ناشناس آن حکایت می‌کند و در دوسوی این خیابان‌های مشجر با درختان کهنسال و غول‌پیکر عمارت‌ها و کوشک‌های زیبایی به چشم می‌خورد که هنوز هم تا اندازه‌ای خاطره شکوه و عظمت دربار شاه‌طهماسب را زنده می‌کند. نقاشی‌های دیواری رنگین و اعجاب‌انگیزی که به دستور شاه‌طهماسب کشیده شده بود و بسیاری از اتاق‌ها را زینت می‌بخشید اکنون با لایه نازکی از گچ پوشانده شده است. هنوز تالار تاج‌گذاری قدیمی با قسمت باز جلوی آن همچنان تخت سلطنتی که در قسمت عقب موجود است" (بروگش، ۱۳۶۷).

ادیب الممالک (عبدالعلی) در روزنامه سفر آذربایجان به نام "دافع الغرور" دوشنبه نهم و سه شنبه دهم رمضان ۱۲۷۳ ق. می‌نویسد: دیوانخانه نادرشاهی از جلوخان دالان بسیار طولانی دارد الی دیوانخانه و دیوانخانه یک تالار بسیار بزرگ دارد و دو اطاق و دو حوض دارد. مادام کارلاسرنا در سفرنامه خود با نام "آدم‌ها و آیین‌ها در ایران" یا "مردم و دیدنی‌های ایران" (۱۲۹۴ و ۱۲۹۵ ق.) می‌نویسد: در باغ وسیع این قصر از طریق جدول‌ها آب را تا لب استخر آورده بودند و در کنار آن یک کلاه فرنگی با چشم‌انداز زیبا ساخته شده بود (طاق‌نما و برجی هست که از روی آن منظره زیبا به چشم می‌خورد) (دبیرسیاقی، ۱۳۸۱: ۳۷۱).

مادام ژان دیوفاوا در سفرنامه خود (۱۸۸۱ م، ۱۲۹۹-۱۳۰۰ ق.) می‌نویسد: "کمی بعد به دارالحکومه رفتیم از دالان طویل

طرح میان دو مثنی چمن / چون دو بهشت از گل و از یاسمن دور وی امرود برآورده سر / از چمن چرخ برون کرده سر زنبق و سوسن به همایون درفش / بسته دوصد شقه سفید و بنفش همدم ریحان شده بستان فروز / این خردآرا شده آن جانفروز (روضه الصفات: ۳۱۷-۳۲۰).

بخش‌های مختلف تقسیم شده و هر بخش به کسی تعلق دارد. هر قسمت طرحی جداگانه و غیرتکراری داشته و هر بخش با جوی آبی از بقیه جدا می‌شده است. بنابراین هر یک از باغ‌ها در عین استقلال جزء باغ سعادت‌آباد و بخشی از آن است (تصویر ۱۶).

باغ به پرگار شده بخش بخش / هرچمن آرا به دلی فیض بخش طرح دگر هر طرف انداخته / غیر مکرر چمنی ساخته (روضه الصفات: ۲۸۲-۲۸۳)

درین ایوان چو بینی از دو جانب / همه باغست مشرق تا بمغرب نخست از جانب مشرق در آیم / در باغ معانی برگشایم درین سو چارده باغست معمور / ز انوار و فواکه گشته پر نور (دوحه‌الازهار: ۲۶۲-۲۶۴)

کنون از جانب مغرب ز نیم دم / چنان کافتد قبول اهل عالم درین جانب عمارتست بسیار / ازان کمتر بباغ افتد سرو کار چو افلاکش بود نه باغ معمور / همه با نام سرکارانش مشهور (دوحه‌الازهار: ۲۸۲-۲۸۴)

از ویژگی مهمی که در وصف بیشتر باغ‌ها بیان شده شکل هندسی چمنزار است و از عباراتی چون مثنی چمن، چمن هشت‌سو، مخمس، مربع چمن و مدور چمن استفاده شده است: شاه‌نشینش چمنی هشت بخش / از همه گل‌هاش فلک داده بخش چار طرف چار مربع چمن / هر طرفش بید و گل و یاسمن (روضه الصفات: ۳۳۴-۳۳۵)

عبدی بیگ در وصف بعضی از باغ‌ها از موقعیت جغرافیایی آنها نسبت به باغ‌های دیگر نیز خبر می‌دهد: آن طرف باغ امام از شمال / قطعه دیگر به هزاران جمال چهار خیابان متقاطع به هم / برده درختانش به گردون علم (روضه الصفات: ۳۲۳-۳۲۴)

درختان و گل‌های باغ

براساس منظومه‌های عبدی‌بیگ در باغ سعادت‌آباد درختان میوه و تزئینی بسیاری به شرح زیر وجود داشته و گاهی از محل کاشته‌شدن گل‌ها نیز در اشعار خبر داده است: درختان میوه: آلوی سیاه، انجیر، بادام، لوز، پسته، تاک، توت، سنجد، سیب، شفتالو، عناب، فندق، گیلاس، نخل. درختان تزئینی: بید، بید موله، چنار، سرو، صنوبر، عرعر و نارون.

گل‌ها و ریاحین: بنفشه، خطمی، خیری، ریحان، زنبق، سوسن، قرنفل، گل به، رعنا، صد برگ، لاله، نرگس، نسرين، نیلوفر، یاسمین.

تصویر ۱۵. باغ‌های شرقی و غربی ارشی‌خانه. مأخذ: نگارندگان.



نتیجه گیری

باغ ایرانی پدیده‌ای کالبدی، تاریخی و فرهنگی است که به عنوان یک الگوی باغ‌سازی شاخصه‌های خود را در طول تاریخ از جمله ساختار هندسی، محصوریت، نظام هدایت و جریان آب و نظام کاشت گیاهان را حفظ کرده است. در باغ‌های حکومتی مانند سعادت‌آباد، هدف از ساخت باغ نشان دادن ثروت، قدرت و عظمت حکومت علاوه بر ایجاد فضای مطلوب بوده است. با بررسی و مطالعه اشعار عبدی‌بیگ درباره باغ سعادت‌آباد که از مهم‌ترین منابع اطلاعاتی در این زمینه هستند، غنی‌ترین اطلاعاتی که به دست می‌آید مشخصات هندسی و تقسیمات هندسی باغ و همچنین وصف عناصر مختلف آن است که به بازخوانی باغ و درک فضاها کمک می‌کند. با این حال در بعضی از موارد جایگاه و ارتباط عناصر و فضاها با هم مشخص نیست و عناصر باغ جداگانه و به صورت جزءبه‌جزء شرح داده شده‌اند و یا گاهی به موقعیت و جهت آنها اشاره‌ای کلی شده است. لذا درک نقشه کل باغ از روی اشعار غیرممکن به نظر می‌رسد و شرح این اطلاعات و مسیر تنظیم ابیات از کل به جزء طوری نیست که بتوان نقشه دقیقی از باغ ترسیم کرد. با توجه به تغییرات زیادی که در دوره‌های بعد صفوی نیز در این باغ‌ها صورت گرفته از روی توصیفات به جایگاه عناصر نمی‌توان پی برد. لذا برای مشخص شدن حقیقت در این موارد منابع تاریخ دیگر بر یافته‌های اشعار انطباق داده شد. با این وجود برای رسیدن به اطمینان کامل نیاز به مطالعات فراتر و مطالعات باستان‌شناسی وجود دارد. با در نظر گرفتن همه این جوانب می‌توان نتیجه گرفت که خمسه جنات‌عدن عبدی‌بیگ شیرازی یک منبع تاریخی بااهمیت در زمینه جزییات معماری و منظر باغ، پوشش گیاهی و عمارات باغ سعادت‌آباد است و نتایج زیر با مطالعه این اسناد قابل حصول است:

- مجموعه باغ سعادت‌آباد و دولتخانه صفوی از روی طرح و نقشه مشخصی ساخته شده است.
 - باغ بر روی بستری از آب و درختان موجود ساخته شده است.
 - نقشه باغ دارای هندسه بوده و از اصول باغ ایرانی و محورهای کشیده و عمود برهم پیروی می‌کند.
 - باغ دارای حصار در اطراف و هفت سردر بوده است که عالی‌قاپو که روبه خیابان جعفرآباد است اصلی‌ترین آنهاست.
 - طرح کاشت باغ متنوع بوده و از گیاهان مثمر، همیشه سبز و خزان‌دار و انواع گل به تناسب فضا استفاده شده است.
 - آب از عناصر اصلی باغ بوده که از قنات اقبال تغذیه شده و در خیابان‌های باغ جاری بوده و در استخرهای متعدد درون و بیرون عمارات به فرم‌های مختلف ساکن، جاری، آبشار و فواره حضور داشته است.
 - کاخ ارشی‌خانه که عمارت اصلی شاه طهماسب بوده عمارت چهلستون فعلی است که بعد از سروده شدن اشعار عبدی‌بیگ تغییر نام پیدا کرده است.
 - ارشی‌خانه در تقاطع آکس شمالی-جنوبی اصلی در شرق سر در عالی‌قاپو و یک آکس شرقی-غربی دیگر (پیغمبریه) واقع شده است. در دو طرف ارشی‌خانه دو حوض آب بوده و در حوض آب بزرگ جنوبی یک سکوی سرپوشیده در میان آن وجود داشته است.
 - خانه شروانی که عمارت بهرام‌میرزا برادر شاه طهماسب بوده است در آکس اصلی و در راستای عالی‌قاپو و در تقاطع با یک محور شرقی-غربی دیگر که احتمالاً محور مسجد پنجه‌علی است واقع شده و در مقابل آن نیز استخر آبی قرار داشته است.
 - دیوانخانه جدید شاه طهماسب در شمال شرق سردر عالی‌قاپو واقع بوده که به احتمال زیاد همان صفه و ایوان شاهانه در اشعار عبدی‌بیگ و ایوان نادری در متون دیگر است که تالاری کشیده با ایوان بوده است. در مقابل آن هم حوضی قرار داشته است. در جدول زیر جمع‌بندی ویژگی‌های باغ به صورت خلاصه آورده شده است:
- برای ترسیم نقشه باغ سعادت‌آباد ابتدا عناصر تاریخی باقیمانده روی عکس هوایی قدیمی موجود از سایت جای‌گذاری شده و محدوده‌ها مشخص شدند. سپس آکس‌های اصلی و فرعی مطابق با هندسه عناصر سایت، توصیفات عبدی‌بیگ و خیابان‌ها و کوچه‌های موجود ترسیم شدند. این نقشه می‌تواند مبنایی برای سنجش نقشه‌های ترسیم شده از این مجموعه‌ها باشد. در این مرحله عناصر و آکس‌های احتمالی با نقشه‌های موجود (خوانساری و دیزانی) هم‌پوشانی داده شده تا ایرادات آنها مشخص شود. نقشه اشراقی به دلیل مشکلات واضح و اینکه هیچ تطابقی با وضعیت موجود ندارد کنار گذاشته شد (تصویر ۱۵ و ۱۶). با بررسی این نقشه‌ها سه ایراد اساسی در هر دو مشخص می‌شود. اول اینکه به نظر می‌رسد که تناسبات، فاصله‌ها و ابعاد و اندازه‌ها به درستی با وضعیت موجود تطابق ندارد و دوم اینکه بعضی از عناصر شاخص مثل خانه شروانی در هیچ کدام از نقشه‌ها مشخص نشده است. سوم اینکه آکس‌های نقشه‌های موجود با سایت اطراف (خیابان‌ها و کوچه‌های اطراف) هماهنگی ندارد. با توجه به مطالعات صورت گرفته در مجموعه اشعار عبدی‌بیگ و انطباق آن با دیگر اسناد تاریخی، امکان جانمایی‌هایی در نقشه باغ وجود داشته که وضعیت آن را در زمان سروده شدن اشعار نشان می‌دهد که این نتایج در قالب نقشه مینیاتوری زیر ارائه شده است. همانطور که بیان شد باغ در دوره‌های بعد حتی در زمان شاه طهماسب نیز دچار تغییرات زیادی شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های باغ سعادت‌آباد. مأخذ: نگارندگان.

نام‌گذاری	سعادت نام قدیمی محل	از خزان سرو باغش آزاد است	نامش باغ سعادت آبادست
	جعفرآباد به یمن نام امام جعفرصادق(ع)	بنام آن شهر عالی جعفرآباد	که شاه جعفری افکنده بنیاد
مکان‌یابی	جنت اشاره به نام باب‌الجنته یا مینودر (قزوین)	خارج این خانه جنت‌مثال	کاخترش از هر نه بیند وبال
	در محل باغ‌های خصوصی موجود در شمال شهر تاریخی	به این منظور اراضی وسیعی را که در شمال شهر قدیمی قزوین موسوم به «زنگی‌آباد» قرار داشت و متعلق به یکی از مشاهیر دولتمدار موسوم به میرزاشراف‌جهان بود، خریداری کرد... (در متون دیگر)	
محصولیت	ساخت دیوار برای باغ‌ها	...باغ سعادت‌آباد را که دیوار دور آن کشیده بوده‌اند... (در متون دیگر)	
	تعمیر دیوارهای موجود	...و تعمیر نمودند و عمارت ساختند... (در متون دیگر)	
نظام هندسی	داشتن نقشه قبلی	صفحه‌نظمی است بسی دلپسند	ناظم آن طبع شه ارجمند
	شبکه شطرنجی باغ	عرصه این روضه عشرت‌مدار	تخته‌نردی است به نقش و نگار
نظام آب	خیابان‌ها و محورهای کشیده	گشته دو سطح متقاطع دو چار	چار خیابان ز دو سطح آشکار
	شکل‌های هندسی باغچه‌ها و حوض‌ها	شاه‌نشینش چمنی هشت‌بخش	از همه گلهاش فلک داده بخش
	قنات‌ها	باغی اینسان که خلد تمثالست	آب او از قنات اقبال است
	جوی‌های آب در کنار خیابان‌ها	جویش ز دو سوی در روارو	بر رسته ز جوی سبزه‌ی نو
نظام گیاه	استخر بزرگ روبروی ارشی‌خانه	چه گویم وصف این حوض فلک‌رنگ	که با دریای افلاک است یک‌رنگ
	حوض‌های آب روبروی عمارات	آب از آن حوض برآورده سر	ریخته از لطف بحوضی دگر
	حوض‌های آب درون عمارات	حوض مربع که در این خانه است	مرکز این خانه شاهانه است
	گیاهان مثمر	قائم‌ه تاک سرافراخته	سایه به هر کنج وی انداخته
نظام سایه	گیاهان غیر مثمر و تزئینی	بر اطرافش درخت بید و عرعر	که سایند از تقاخر بر فلک سر
	گل‌ها و ریاحین	چار طرف چار مربع چمن	هر طرفش بید و گل و یاسمن
نظام نور	درختان سایه‌دار	سایه ز درخت و گل فتاده	کمخای زمردی گشاده
	استفاده از فانوس برای روشنایی باغ	درونش شمعها روشن شب تار	ز بزم خسروی گشته نمودار
نظرگاه‌ها	نورپردازی حوض‌ها و فواره‌ها	نشانش ز آیه نور علی نور	که دید آتش درون آب مستور
	ایوان‌ها	رفت بر ایوان و بر افراخت سر	حوض مربع بنظر جلوه‌گر
پرندگان	برج (کبوتر)	...در پایان برج کبوتری که برابری با نسر طایر نمودی ساخت... (در متون دیگر)	
	وجود پرندگان در فضاهای سبز و حوض‌های آب	پر از غاز و بط و قو آب شفاف	چو جوهر در دل آینه صاف
تزئینات	کاشی‌کاری	گشته ز کاشی‌گری پیش طاق	غیرت این گنبد نیلی رواق
	نقوش اسلیم و ختایی	بر یکی از اصل خطایی نقوش	بر دگری شکل طیور و وحوش
	گلجام‌های پنجره‌ها	بر سر هر پنجره جامی چو مهر	سرخوش از آن جام شده نه سپهر
	گل‌ها در میان آب	روان افروز حوض عشرت‌انگیز	بحوض افتاده گل از باد گلریز



تصویر ۱۶. عناصر تاریخی موجود و آکس‌های اصلی و فرعی سایت. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۱۷. همپوشانی عناصر تاریخی موجود و آکس‌های اصلی و فرعی سایت روی نقشه خوانساری و دیزانی. مأخذ: نگارندگان.

تصویر ۱۸. بازخوانی نقشه باغ سعادت‌آباد براساس اشعار عبدی‌بیگ و انطباق با سایر اسناد تاریخی. مأخذ: نگارندگان.



پی‌نوشت‌ها

۱. با تخلص نویدی و پیرو مکتب ادبی نظامی
۲. اثر محمد علی گلریز (۱۳۳۷).
۳. اثر محمد دبیرسیاقی (۱۳۸۱).
۴. اثر مهدی خوانساری و دیگران (۱۳۸۳).
۵. مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «باز زنده‌سازی مرکز تاریخی شهر قزوین» گرایش مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، دانشگاه تهران، به راهنمایی دکتر سیدامیر منصوری.
۶. این شعر بر روی سردر ورودی کاخ توپکاپی عثمانی نیز نوشته شده که می‌تواند نشانی از مراقبت و تأثیرات فرهنگی بین این دو حکومت باشد.
۷. معانی: ۱- منسوب به شروان (ولایتی در جنوب شرقی قفقاز در حوزه علیای نهر ارس و رود) ۲- پوششی که با چوب حلب آهن سفید بر روی سقف بعضی از خانه‌ها سازند ۳- نوعی خیمه چهارگوشه (عالمی، ۱۳۸۷).
۸. تنظیم‌کننده مجموعه جنات‌عدن
۹. پیغمبریه یا چهار انبیا که معروف است ۴ تن از پیامبران در آن دفن هستند

فهرست منابع

- آل‌هاشمی، آیدا. ۱۳۹۱، خیابان قزوین: حضور باغ در شهر؛ بازخوانی خیابان قزوین با تکیه بر اشعار عبدی بیگ و سایر مکتوبات موجود، باغ نظر، ۹ (۲۲): ۶۵-۷۴.
- اشراقی، احسان. ۱۳۸۷. توصیف دولتخانه و کاخ‌ها و باغ‌های صفوی در منظومه های عبدی بیگ نویدی شاعر دوران شاه تهماسب اول. مجله فرهنگ. (۶۸): ۴۱-۵۸.
- اشراقی، احسان. ۱۳۹۰. شهر تاریخی قزوین. مجله پژوهش‌های علوم تاریخی، ۳ (۲): ۱۶-۱.
- انوری، علیرضا. ۱۳۹۰. شکلگیری و تحولات راسته بازار مجموعه تاریخی سعدالسلطنه. مجموعه مقالات قزوین. دفتر دوم (به کوشش مهرزاد پرهیرکاری). سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان قزوین. تهران: نشر روناس.
- اورسل، ارنست. ۱۳۵۳. سفرنامه ارنست اورسل. ت: علی اصغر سعیدی. تهران: زوار.
- بانی مسعود، امیر. ۱۳۸۳. تاریخ معماری غرب؛ از عهد باستان تا مکتب شیکاگو. اصفهان: نشر خاک.
- بروگش، هنریش. ۱۳۶۷. سفری به دربار سلطان صاحبقران. جلد اول. ت: کردبچه. تهران: انتشارات اطلاعات.
- پورمحمدی املشی، نصرالله، فراهانی فرد، رقیه. ۱۳۹۱. نقش عوامل طبیعی بر توسعه و رکود شهری قزوین؛ پایتخت دوره صفوی. مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش نامه انجمن ایرانی تاریخ، ۳ (۱۲): ۲۳-۱.
- ترکمان، اسکندربیگ. ۱۳۴۴. عالم آرای عباسی. جلد اول، تهران: موسسه مطبوعاتی امیرکبیر.
- حسین‌زاده. خدیجه. ۱۳۹۰. گمانهزنی دولتخانه صفوی. مجموعه مقالات قزوین. دفتر اول (به کوشش مهرزاد پرهیرکاری). سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان قزوین. تهران: نشر روناس.
- خوانساری، مهدی، مقتدر، محمد رضا، یآوری، مینوش. ۱۳۸۳. باغ ایرانی بازتابی از بهشت. چاپ اول. ت: مهندسین مشاور آران. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- دسیلوفیگوئورا، دنگارسیا. ۱۳۶۳. سفرنامه دنگارسیا دسیلوفیگوئورا سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول. ت: غلامرضا سمیعی. تهران: نشر نو.
- دبیرسیاقی، محمد. ۱۳۸۱. سیر تاریخی بنای شهر قزوین و بناهای آن. قزوین: اداره کل میراث فرهنگی قزوین و نشر حدیث امروز.
- دلاواله، پیترو. ۱۳۴۸. سفرنامه پیترو دلاواله. ت: شعاع الدین شفا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- دیزانی، احسان. ۱۳۹۲. بازآفرینی شهرشاهی صفوی قزوین از متون و اسناد تاریخی. مجله هویت شهر، ۷ (۱۴): ۶۱-۷۰.
- روملو، حسن بیگ. ۱۳۵۷. احسانالتواریخ. عبدالحسین نوائی. تهران: بابک.
- ستوده، حسین علی. ۱۳۴۸. تاریخچه قزوین، بررسی های تاریخی. تهران: اداره روابط عمومی دانشگاه تهران.
- سلطان‌زاده، حسین. ۱۳۸۳. روضه الصفات و باغ ایرانی. معماری و فرهنگ. ۵ (۱۷): ۱۸۳-۱۸۶.
- سلطانی، مهدی. ۱۳۸۷. باغ سعادت‌آباد قزوین براساس منظومه های عبدی بیگ. مجله گلستان هنر. (۱۱): ۳۸-۴۷.
- شاردن، ژان. ۱۳۳۶. سیاحتنامه شاردن. جلد سوم. ت: محمد عباسی، تهران: موسسه مطبوعاتی امیرکبیر.
- شاهچراغی، آزاده. ۱۳۹۰. پارادایم های پردیس؛ درآمدی بر بازشناسی و بازآفرینی باغ ایرانی. تهران: جهاد دانشگاهی واحد تهران.
- فلاندن، اوژن. ۱۳۵۶. سفرنامه اوژن فلاندن به ایران. چاپ سوم. ت: حسین نورصادقی. تهران: اشراقی.
- قمی، قاضی احمد بن حسین. ۱۳۸۳. خلاصه التواریخ. جلد اول. ت: احسان اشراقی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عالمی، مهوش، جیحانی، حمیدرضا، رضایی پور، مریم. ۱۳۸۷. باغ‌های شاهی صفوی (صحنه ای برای نمایش مراسم سلطنتی و حقانیت سیاسی). هنر و معماری. گلستان هنر، (۱۲): ۴۷-۶۸.

- عالمی، مهوش. ۱۳۹۰. نمادپردازی در باغات ایرانی: حس طبیعت در باغ‌های سلطنتی صفوی. مجله منظر، (۱۷): ۶-۱۳.
- عبدی بیگ شیرازی (خواجه زین العابدین علی نویدی). ۱۹۷۴. روضه‌الصفات. ترتیب متن و مقدمه از ابوالفضل هاشم اوغلی رحیموف، مسکو: انتشارات دانش.
- عبدی بیگ شیرازی (خواجه زین العابدین علی نویدی). ۱۹۷۴. دوحه‌الازهار. ترتیب متن و مقدمه از علی مینایی تبریزی و ابوالفضل هاشم اوغلی رحیموف، مسکو: انتشارات دانش.
- عبدی بیگ شیرازی (خواجه زین العابدین علی نویدی). ۱۹۷۹. جنه‌الاثمار، زینت الاوراق و صحیفه الاخلاص. ترتیب متن و مقدمه از ابوالفضل هاشم اوغلی رحیموف. مسکو: انتشارات دانش.
- عبدی بیگ شیرازی (خواجه زین العابدین علی نویدی). ۱۳۶۹. تکمله الاخبار. تصحیح دکتر عبدالحسین نوائی، تهران: نشر نی.
- گلریز، محمدعلی. ۱۳۶۸. مینودر یا بابالجنه قزوین. جلد اول. چاپ دوم. تهران: انتشارات طه.
- مجابی، سیدمهدی. ۱۳۷۸. نظریه توسعه تاریخی شهر در ایران (توسعه تاریخی قزوین). دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد دوم. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- مصطفی زاده، مصطفی و انصاری، مجتبی. ۱۳۹۴. پاریدآز؛ پژوهشی در سنت باغ‌سازی و منظره‌پردازی ایرانی. تهران: نشر گستره.
- منشی قزوینی، بوداق. ۱۳۷۸. جواهر الاخبار. مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محسن بهرام نژاد. تهران: میراث مکتوب.
- نوروززاده چگینی، ناصر. ۱۳۸۱. دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. جلد یازدهم، باغ. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- واله اصفهانی، محمد یوسف. ۱۳۷۲. خلدبرین (ایران در روزگار صفویان)، به کوشش میرهاشم محدث. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- ورجاوند، پرویز. ۱۳۷۷. سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین. دفتر نخست. تهران: نشر نی.

